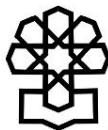


بهمن ۱۴۰۱
مسلسل: ۱۸۷۱۸

مسائل اولویت‌دار حوزه زنان و خانواده در برنامه هفتم توسعه و پیشنهادهای سیاستی



دفتر مطالعات فرهنگ و آموزش



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۸۷۱۸

کد موضوعی: ۲۷۰

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: مسائل اولویت‌دار حوزه زنان و خانواده در برنامه هفتم توسعه و پیشنهادهای سیاستی

نام دفتر: مطالعات فرهنگ و آموزش

تهیه و تدوین کنندگان: ریحانه رحمانی‌پور، پدram کاویان

همکاران: آسیه ارحامی، اکرم باجلان

اظهار نظر کننده: توفیق حسین‌زاده

ناظر علمی: موسی بیات

صفحه آرا: سیده فاطمه ابوطالبی

ویراستار ادبی: شیوا امین اسکندری

واژه‌های کلیدی:

۱. مسائل حوزه زنان و خانواده

۲. وضعیت ازدواج

۳. وضعیت طلاق

۴. زنان سرپرست خانوار

۵. زنان عشایر و روستایی



تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۱/۹

به نام خدا

فهرست مطالب

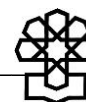
چکیده.....	۱
خلاصه مدیریتی.....	۱
مقدمه.....	۳
۱. مسئله‌شناسی حوزه زنان و خانواده.....	۴
۱-۱. مسائل حوزه تشکیل خانواده.....	۱۰
۱-۱-۱. موانع روی دادن ازدواج به‌هنگام.....	۱۵
۱-۱-۲. پیامدهای افزایش سن ازدواج.....	۱۶
۱-۲. مسائل حوزه تحکیم، رشد و ثمربخشی خانواده.....	۱۸
۱-۲-۱. ازدیاد طلاق و پیامدهای آن.....	۱۸
۱-۲-۲. کاهش نرخ باروری و تهدید جوانی جمعیت.....	۲۱
۱-۲-۳. تهدید کرامت سالمندان.....	۲۳
۱-۲-۴. ناهماهنگی تکالیف اجتماعی زنان با مسئولیت‌های خانوادگی.....	۲۶
۱-۲-۵. تهدید کارکرد اجتماعی خانه‌داری زنان.....	۲۹
۱-۳. زنان و خانواده‌های در معرض آسیب.....	۳۰
۱-۳-۱. سرپرستی خانوار از سوی زنان.....	۳۰
۱-۳-۲. تهدید سبک زندگی خانواده‌های روستایی و عشایر.....	۳۵
پیشنهاد‌های دستگاه‌های اجرایی در حوزه زنان خانواده.....	۳۸
نتیجه‌گیری.....	۴۰
۲. پیشنهاد‌های سیاستی متناظر با مسائل.....	۴۱
۲-۱. سیاست‌های متناظر با مسائل حوزه تشکیل خانواده.....	۴۱
۲-۲. سیاست‌های متناظر با مسائل حوزه تحکیم، رشد و ثمربخشی خانواده.....	۴۲
۲-۳. سیاست‌های متناظر با زنان و خانواده‌های در معرض آسیب.....	۴۲
۲-۴. سیاست‌های متناظر با اصلاح حکمرانی حوزه زنان و خانواده.....	۴۳
منابع و مأخذ.....	۴۳

فهرست جداول

- جدول ۱. محورهای اسناد بالادستی در حوزه زنان و خانواده..... ۶
- جدول ۲. مسائل عمده حوزه زنان و خانواده مبتنی بر اسناد سیاستی..... ۹
- جدول ۳. نسبت میزان ازدواج‌ها به جمعیت جوان (۳۵-۱۵ سال) و جمعیت کل کشور..... ۱۲
- جدول ۴. تغییرات میانگین سن ازدواج دختران و پسران در اولین ازدواج..... ۱۳
- جدول ۵. روند تغییرات باز ازدواج به تفکیک زوج و زوجه (درصد)..... ۲۱
- جدول ۶. سنین با بیشترین فراوانی باز ازدواج..... ۲۱
- جدول ۷. مسئله‌شناسی زنان سرپرست خانوار..... ۳۴

فهرست شکل‌ها

- شکل ۱. میانگین سن اولین ازدواج برای مردان و زنان از سال ۱۳۶۵ تا ۱۴۰۰..... ۱۴
- شکل ۲. سهم زنان ۳۱ تا ۴۰ ساله از کل ازدواج‌های سال..... ۱۶
- شکل ۳. روند تغییرات شاخص درصد مجرد قطعی زنان و مردان در ایران..... ۱۷
- شکل ۴. نرخ خالص طلاق از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۹..... ۱۹
- شکل ۵. وضعیت گذشته، حال و آینده نسبت جمعیت نوجوان، در سن کار و سالمند در ایران براساس پیش‌بینی حد وسط دفتر جمعیت سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۷..... ۲۴
- شکل ۶. شمار جمعیت گروه‌های سنی فاقد همسر در مردان و زنان در سال ۱۳۹۹..... ۲۵
- شکل ۷. زنان شاغل در گروه‌های عمده شغلی در دو گروه سنی ۱۵ تا ۳۹ ساله و ۱۵ ساله و بیشتر..... ۲۷
- شکل ۸. شاغلان زن ۱۵ ساله و بیشتر برحسب وضع شغلی به تفکیک گروه‌های عمده فعالیت اقتصادی..... ۲۸
- شکل ۹. نمودار مقایسه دلایل عدم جستجوی کار در بین زنان شهری و روستایی ۱۰ تا ۶۹ ساله..... ۲۹
- شکل ۱۰. دهک درآمدی زنان سرپرست خانوار و زن خودسرپرست در سال ۱۳۹۸..... ۳۲
- شکل ۱۱. نرخ اشتغال کل و دهک‌های درآمدی زنان سرپرست خانوار در سال ۱۳۹۸..... ۳۳
- شکل ۱۲. توزیع سهم درصد گروه سنی زنان سرپرست خانوار..... ۳۳
- شکل ۱۳. سهم زنان و مردان شاغل از کل شاغلان به تفکیک شهری و روستایی..... ۳۷



مسائل اولویت‌دار حوزه زنان و خانواده در برنامه هفتم توسعه و پیشنهادهای سیاستی

چکیده

برنامه هفتم توسعه اولین برنامه بعد از بیانیه گام دوم انقلاب است که باید با رویکرد تحولی در ساختار و محتوا تنظیم شود. از این رو بررسی برنامه‌های گذشته از حیث ساختار قانون برنامه و محتوا و ارزیابی عملکرد برنامه و وضعیت موجود در حوزه مورد بررسی از اولویت‌های تدوین قانون برنامه خواهد بود. در این راستا سلسله گزارش‌هایی تدوین شده^۱ و گزارش پیش رو به تبیین وضعیت موجود و مسائل اولویت‌دار حوزه زنان و خانواده می‌پردازد. احصای مسائل از مسیر بررسی سیاست‌های بالادستی^۲، وضعیت‌سنجی و اعلام نظر دستگاه‌های اجرایی و پژوهش‌های انجام شده در این حوزه انجام گرفته است. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد کاهش سن ازدواج، تسهیل فرزندپروری، پیشگیری از سالمندی پرخطر و حمایت از سالمندان (به‌طور خاص زنان سالمند)، حمایت از زنان عشایر و روستایی، شناسایی مسائل زنان سرپرست خانوار و حمایت از آنها و رفع چالش‌های فعالیت اقتصادی اجتماعی زنان، از جمله مهم‌ترین مسائلی است که باید با رویکرد رفع موانع مسائل مذکور و ارائه راهبرد مشخص از طریق متولی معین در برنامه هفتم توسعه مورد توجه قرار گیرد.

مضاف بر آنکه چالش‌های ساختاری حوزه زنان و خانواده، عدم نظام رصد و پایش و شاخص‌های مدون ارزیابی مستمر وضعیت زنان و خانواده از مهم‌ترین چالش‌های حکمرانی این حوزه است که باید در برنامه هفتم توسعه مورد توجه قرار گیرد.

خلاصه مدیریتی

زنان و خانواده به‌عنوان یک قشر و نهاد کلیدی در پیشبرد اهداف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی همواره مورد توجه برنامه‌های توسعه بوده‌اند. البته برنامه‌های توسعه پیشین به تناسب دولت‌های تدوین‌کننده و رویکردهای سیاسی غالب در سطوح و رویکردهای مختلفی به این حوزه پرداخته‌اند. این پراکنش رویکرد و مسائل مورد توجه در برنامه‌های توسعه و عدم مواجهه شبکه‌ای با مسائل این حوزه در کنار ضعف عملکرد اجرایی منجر به موفقیت پایین برنامه‌های توسعه در حصول اهداف خود در حوزه زنان و خانواده شده است. از این رو یکی از امکان‌های افزایش کارآمدی برنامه‌های توسعه تشخیص صحیح مسئله، اولویت‌گذاری مسائل و ارتباط شبکه‌ای مسائل با یکدیگر است. از این حیث در گزارش پیشرو تلاش شده است با توجه به موضوع‌های مورد توجه در اسناد بالادستی این حوزه (سیاست‌های کلی خانواده و سیاست‌های کلی جمعیت) مسائل این حوزه شناسایی و ابعاد مسئله احصا شود. از سوی دیگر نظرات دستگاه‌های اجرایی در خصوص مسائل و چالش‌های حوزه زنان و خانواده دریافت و با بررسی مجموعه سیاست‌ها، وضعیت موجود و نظام

۱. ارجامی، آسیه «تحلیل و ارزیابی محتوایی برنامه‌های ششگانه توسعه در حوزه زنان و خانواده» با شماره مسلسل ۱۸۴۹۵، ۱۴۰۱؛ علی‌آبادی، شیبا، رحمانی‌پور، ریحانه، «ارزیابی عملکرد برنامه ششم توسعه در حوزه زنان و خانواده»، با شماره مسلسل ۱۸۲۲۷، ۱۴۰۱.

۲. سیاست‌های کلی خانواده (ابلاغی مقام معظم رهبری)، سیاست‌های کلی جمعیت (ابلاغی مقام معظم رهبری) و قانون اساسی.

مسائل بیان شده از سوی دستگاه‌های اجرایی، مسائلی که در اولویت قرار داشتند به‌عنوان اولویت‌های برنامه هفتم توسعه پیشنهاد شدند.

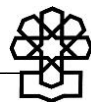
موضوع‌های عنوان شده در اسناد سیاستی در چهار بخش «تشکیل خانواده»، «تحکیم، رشد و ثمربخشی خانواده» و «زنان و خانواده‌های در معرض آسیب» و «حکمرانی حوزه زنان و خانواده» دسته‌بندی شده‌اند و ذیل آن وضعیت الگوی ازدواج در کشور و موانع ازدواج به‌هنگام، وضعیت طلاق و موضوع‌های مرتبط با آن از جمله پیامدها و عوامل تأثیرگذار بر آن، کاهش نرخ باروری و مسئله فرزندپروری و وضعیت اقشار زنان مورد واکاوی قرار گرفته است.

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد به‌طور کلی در حوزه خانواده سن ازدواج به‌عنوان مسئله مهم و محوری قابلیت شبکه‌سازی دارد. به‌عبارت‌دیگر مسائل موجود به نوعی با این موضوع در ارتباط هستند. افزایش سن ازدواج ضرورت ازدواج و تحقق کارکردهای آن را تحت‌الشعاع قرار داده است. لذا یکی از اهداف برنامه کاهش سن ازدواج از طریق رفع موانع آن که کاهش سن ورود به اشتغال، اشتغال پایدار جوانان، مهارت‌های کسب درآمد و تأمین هزینه‌های زندگی، کاهش هزینه‌های آغاز زندگی از طریق ساماندهی تسهیلات و فراهم آوردن بسترهای واسطه‌گری ازدواج در جامعه است.

محور دیگر در حوزه فرزندآوری و فرزندپروری است. البته با توجه به تصویب قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» و پوشش بخش چشمگیری از تسهیلات و حمایت‌های لازم از مادران و خانواده‌ها بخشی که کمتر به آن پرداخته شده و البته مورد توجه سیاست‌های کلان این حوزه نیز بوده است، تربیت صحیح و بسترهای لازم برای فرزندپروری است. در موضوع طلاق نیز علاوه بر تمهید سازوکارهای لازم جهت کاهش طلاق به‌طور خاص باید به عوامل افزایش طلاق که خلق و خوی نامناسب همسران در اولویت اول آن قرار دارد و راهکار حل آن که افزایش مهارت‌های رفتاری و آموزش‌های قبل از ازدواج در دوران آموزش عمومی است توجه داشت. در خصوص پیامدهای طلاق نیز علاوه بر آسیب‌های اجتماعی که بررسی آن در این مقال نمی‌گنجد، ازدواج دوباره زنان و مردان مورد توجه است که البته مورد توجه سیاست‌های کلی نیز بوده است. در این حوزه با توجه به افزایش تجرد قطعی و طلاق در جامعه موضوع بازازدواج حائز اهمیت خواهد بود که باید در راستای تسهیل آن تمهیداتی را در برنامه توسعه مدنظر قرار داد.

موضوع دیگر مسئله سالمندی است که در سیاست‌های کلان خانواده و جمعیت مورد توجه بوده و با بررسی‌های کارشناسی، روند رو به کاهش نرخ باروری، سالمند شدن جامعه و به‌ویژه پدیده زنانه شدن سالمندی قابل ملاحظه است. از این حیث و با رویکرد حفظ کرامت سالمندان و استفاده از تجربیات آنان در انتقال ارزش‌های بین‌نسلی و همچنین زیرساخت‌های نگهداری از آنها در خانواده ارائه پیشنهاد در برنامه هفتم ضروری است.

در مورد اقشار زنان نیز زنان سرپرست خانوار، زنان خانه‌دار، زنان عشایر و روستایی مورد توجه بوده‌اند. به‌گونه‌ای که در مورد زنان سرپرست خانوار مسئله حمایت‌های مستقیم و حل چالش مسکن این گروه از جامعه در کنار توانمندسازی زنان باید بررسی شود. در مورد زنان عشایر و روستایی نیز زیرساخت‌های مربوط به سلامت، توانمندسازی و ایجاد زیرساخت‌های اشتغال با توجه به ظرفیت‌های بومی باید دقت شود.



در مورد دوگانه زنان خانه‌دار و شاغل دو موضوع مسئله‌ساز وجود دارد که باید در اولویت برنامه هفتم توسعه قرار گیرد. طراحی نظام اشتغال منعطف در راستای حل تعارض نقش زنان و حمایت از زنان خانه‌دار با رویکرد تأمین آینده و احساس امنیت نسبت به آینده باید مورد نظر قرار گیرد. نکته دیگر درباره زنان خانه‌دار این است که با توجه به گستردگی این گروه اجتماعی و ضرورت افزایش احساس رضایت‌مندی آنها باید بسترهای مشارکت و کنشگری اجتماعی آنان افزایش یابد.

با توجه به مجموعه موضوع‌ها و مسئله‌شناسی صورت گرفته احکام پیشنهادی در حوزه‌های مذکور ارائه شده است.

مقدمه

خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان است، اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است.^۱

طبق اصل دهم قانون اساسی «از آنجاکه خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی برپایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد». «زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت (شیئی بودن) و یا (ابزار کار بودن) در خدمت اشاعه مصرف‌زدگی و استثمار، خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پر ارج مادری در پرورش انسان‌های مکتبی پیش‌آهنگ و خود هم‌رزم مردان در میدان‌های فعال حیات است و در نتیجه پذیرای مسئولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود.^۲ در حوزه زنان و خانواده دو سند سیاستی بالادستی؛ سیاست‌های کلی خانواده و سیاست‌های کلی جمعیت نیز تا حد زیادی جهت‌گیری نسبت به مسائل خانواده را مشخص کرده است. لذا باید حل مسائل و چالش‌های این حوزه را در سطح قوانین و سیاست‌های اجرایی از جمله برنامه‌های توسعه دنبال کرد.

از سوی دیگر فراهشی بودن حوزه زنان و خانواده و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری این حوزه در نسبت با حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، الزام پرداختن به حوزه زنان و خانواده را در برنامه‌های توسعه تشدید می‌کند. به عبارتی پرداختن به این حوزه در برنامه‌های توسعه نه تنها از وجه حل چالش‌های آن بلکه از وجه پیشبرد اهداف دیگر حوزه‌ها نیز دارای اهمیت است. چراکه تحقق اهداف دیگر حوزه‌ها ارتباط نزدیکی با نهادینه شدن اهداف آن در جامعه و تغییر و تحول نیروی انسانی جامعه دارد. لذا پرداختن به حوزه زنان و خانواده در برنامه‌های توسعه هم از جهت اهمیت موضوع‌ها و مسائل حوزه مذکور و هم از جهت نسبت آن با دیگر حوزه‌ها دارای اهمیت است و با هر دو رویکرد توسعه انسانی و توسعه اقتصادی- اجتماعی پرداختن به مسائل این حوزه باید در اولویت برنامه‌های توسعه باشد. البته انتخاب هر کدام از این رویکردها جهت‌گیری برنامه را تغییر خواهد داد. بنابراین باید رویکرد کلان نسبت به برنامه را تعیین کرد.

۱. مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۲، ۰۹، ۱۳۵۸ با اصلاحات و الحاقات بعدی.
۲. همان.

از سوی دیگر تدوین برنامه کارآمد و قابل اجرا، نیازمند بررسی محتوایی برنامه‌های پیشین، ارزیابی اجرایی برنامه ششم توسعه و بازخوانی مسائل این حوزه است. گزارش پیشرو بازخوانی مسائل این حوزه را با اتکا به اسناد بالادستی، مسئله‌شناسی پژوهش‌ها و مقالات و گزارش دستگاه‌های اجرایی در دستور خود قرار داده است.

تحقق الگوی خانواده‌محور توسعه در اسناد بالادستی کشور و نقش و جایگاهی که زنان در این راستا برعهده دارند، پرداخت مؤثر به مسائل اساسی زنان و نهاد خانواده را در تدوین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه الزامی می‌کند. شرایط اجتماعی کشور در دوره تدوین برنامه هفتم توسعه این ضرورت را دوچندان می‌کند؛ زیرا پنجمین دهه از تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران با تغییرات فرهنگی نسلی نوین در سطح ملی و امواج فراگیر تغییرات اجتماعی در سطح جهان همراه است. در این راستا توجه به مسائل جاری حوزه زنان و خانواده در کنار پیش‌بینی تمهیدات لازم برای مواجهه امن با تهدیدات اجتماعی جهانی مهم جلوه می‌کند.

نگاه انقلاب اسلامی به مسئله زن که به‌طور خاص با عنوان «شان زن در جامعه»^۱ مطرح شده است، شامل یک طرحواره مبنایی از کارکرد اجتماعی زنان با نفی زن در حاشیه و بدون نقش (الگوی شرقی)، و زنی که جنسیت وی بر انسانیتش غلبه دارد (غربی) همراه است. از این نفی، عنوان «الگوی سوم» اثبات شده که مشتمل بر نگاه انقلاب اسلامی در تعریف شاخص‌هایی برای تبلور رشد زنان با خصایصی مثل «کنشگر در مرکز» و «کنشگری مبتنی بر نقاط قوت کارکردی زنان با رعایت ایمان و عفت»^۲ است. باید توجه داشت مطابق توصیه مقام معظم رهبری (مدظله)، تدوین این الگو، نیازمند استخراج نظریه و رفع خلأهای نظری در میان‌مدت و بلندمدت است. از آنجاکه بهبود شاخص‌های زیست اجتماعی زنان و وضعیت خانواده می‌تواند برای هستی‌پذیری این الگو حیاتی باشد، رصد مسائل موجود و رسیدگی به آنها در قالب برنامه‌های سیاستی کوتاه‌مدت الزامی خواهد بود.

در این گزارش سعی شده است تبیین دقیقی از وضعیت کلان مسائل اولویت‌دار این حوزه برحسب شاخص‌های رسمی و مطابق با اهداف کلان سیاستی کشور ارائه شود. در این راستا با مرور مسائل اساسی حوزه زنان و خانواده (که برگرفته از اهداف کلان سیاستی هستند) سعی شده است مهم‌ترین راهبرد کوتاه‌مدت حل مسئله شناسایی و پیشنهادهایی برای مهار یا حل آن ارائه شود.

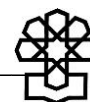
۱. مسئله‌شناسی حوزه زنان و خانواده

یافته‌های تحقیقی حاکی از آن است که تنوع و گستره مسائل زنان با توجه به متغیرهایی همچون سن، شغل، تحصیلات، طبقه و وضعیت تأهل متفاوت است.^۳ از طرفی جهت‌گیری بینشی نیز هریک از برش‌های ذیل جامعه زنان و خانواده را به نحو متفاوتی تفسیر می‌کند و مسائل خاص خود را عرضه می‌کند. «بحث زنان از جمله مسائلی است که از موارد مهم اختلاف بین نگرش دینی و نگرش غلط جهانی است و فرصت خوبی برای مقابله با نظام را فراهم می‌کند. گروهی در چالش بین تجدد و سنت به یک بحران نظری رسیده‌اند و به نظرشان رسیده است که باید مسائل زنان

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از بانوان نخبه ۱۳۹۰/۲/۱.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقبال مختلف مردم ۱۳۸۴/۲/۲۵.

۳. سهیلا صادقی و سمیه مقدم، مسئله‌شناسی زنان بنابر روایت زنان (مطالعه کیفی)، نشریه رفاه اجتماعی، دوره ۱۲، ش ۴۹، تابستان ۱۳۹۲.



متناسب با زمان، بررسی و بازنگری شود. نقطه آغاز این گروه در ابتدا سیاسی نیست در متن استمرار جریان و ادبیات فکری و فرهنگی خودشان این حرکت ممکن است کم رنگ سیاسی هم به خودش بگیرد»^۱.

«اگر بپذیریم که فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور ما عرصه تقابل دو دیدگاه یا گفتمان اصولگرایی و اصلاح طلب است؛ یکی از موارد منازعه این دو گفتمان، مسئله زن و خانواده است. تأکید رویکرد [اصلاح طلب] در توجه به مسائل زنان، اهمیت دادن به نقش مستقل زن در جامعه و خانواده است و اینکه اهمیت خانواده، نباید منجر به حاشیه نشینی زنان از عرصه های اجتماعی شود. [گفتمان اصولگرا] در توجه به مسائل زنان، فاصله گرفتن از اندیشه های غربی و آموزه های فمینیستی و اهمیت دادن به خانواده و ترسیم نقش زن به عنوان عضو اصلی و کانونی نهاد خانواده است؛ به گونه ای که حضور و مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان، در جهت نقش و جایگاه زن در خانواده و تحکیم خانواده قابل تصویر است»^۲. البته نکته مهم در این خصوص توجه به حفظ تنازع قدرت به منظور هژمونی گرایش های سیاسی^۳ و حفظ و پررنگ کردن حوزه های تنازع گفتمانی است. به عبارتی می توان گفت یکی از چالش های عمده حوزه زنان و خانواده که به عدم اجرایی شدن احکام و اهداف برنامه های توسعه در حوزه زنان و خانواده دامن می زند تنازع گفتمانی است و با عدم تعیین گفتمان شفاف در این حوزه و بهره مندی گروه های سیاسی از این تنازع، نه تنها چالش مذکور حل نمی شود بلکه پررنگ تر خواهد شد. نکته دیگر وجود گفتمان های دیگر در کنار دو گفتمان مذکور است که از تحولات فکری جامعه جهانی منبث می شود و وضعیت از دو گانه گفتمانی به تکثر گفتمانی تبدیل می شود.

باید توجه داشت مسئله شناسی زنان و خانواده دال بر رسالت یا توانمندی حاکمیت در زدایش همه مسائل این حوزه نیست. «مسائل خانواده در میان اضلاع سه گانه قوانین شرع، اراده زوجین و مصالح حکومت قرار دارد. ضلع سوم با استفاده از ابزارهای حاکمیتی می تواند در راستای پیشگیری از مشکلات یا حل مسائل خانواده در دو حوزه تقنین و قضا، درباره این واحد دست به مداخله بزند»^۴. اما بخشی از مسائل در گرو اراده اجتماعی یا وجود مهارت در سطح عموم مردم (شامل اقوام و خرده فرهنگ های متکثر سراسر کشور) است و بخشی نیز مستلزم بررسی های تخصصی فقهی خواهد بود. در این بین تعریف و بسط مسئله بستگی زیادی به چارچوب فکری ای دارد که مسئله در آن طرح می شود. به عبارتی در حالی که در یک چارچوب فکری یک پدیده مسئله است در چارچوب های موازی یا مسئله نبوده و یا یک امر طبیعی اجتماعی قلمداد می شود.

در یک نگاه کلی، هدف حکمرانی می تواند مبین مسئله های هر حوزه باشد و مسائل در چارچوب نوع نگرش به پدیده های اجتماعی، خود را نشان می دهند؛ به این ترتیب که هرچقدر وضعیت پدیده از هدف مورد نظر فاصله بیشتری داشته باشد، درجه مسئله بودگی بالاتر خواهد بود و بر همین اساس هرچقدر وضعیت پدیده نسبت به اهداف حاکمیت منطبق یا نزدیک باشد، از درجه مسئله بودگی آن کاسته خواهد شد. در این بین به منظور اجماع روی اهداف سیاستی

۱. محمدرضا زیبایی نژاد، گفتمان فمینیستی در ایران؛ نگرش ها و تحلیل ها، نشریه حورا، ش ۲۷، سال ۱۳۸۷.
۲. محمدتقی کرمی فقی، تحلیل گفتمان سه برنامه توسعه با رویکردی به مسائل زنان و خانواده، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ش ۱۳، سال ۱۳۹۱.
۳. اکرم بای، بایک نادرپور، مسعود مطلبی، «چالش گفتمان های سیاسی اصلاح طلب و اصولگرا در ایران»، جامعه شناسی سیاسی ایران، ۱۳۹۸.
۴. فریبا علاسوند، مداخله حکومت اسلامی درباره حقوق خانواده (ظرفیت ها و ضرورت نگاه ها)، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال ۱۶، ش ۶۲، زمستان ۱۳۹۲.

مرتبط با زنان و خانواده، رجوع به اسناد بالادستی کشور ضروری به نظر می‌رسد؛ چراکه هم بازگوکننده اهداف و وظایف حاکمیت نسبت به جامعه است و هم می‌توان قانون برنامه توسعه را مسیر عینیت یافتن اهداف حاکمیت دانست.

«اهمیت نقش زنان در تحقق اهداف اجتماعی و اقتصادی ملت‌ها و توسعه و تعالی آنها - به‌ویژه در دهه‌های اخیر به روشنی رخ نموده است. به‌طوری‌که از یک‌سو به نقش مؤثر و بی‌بدیل زنان در تولید و پرورش نیروی انسانی و از سوی دیگر، تأثیر جدی در تسریع روند توسعه همه‌جانبه جامعه به‌دلیل نقش‌آفرینی در عرصه‌های مختلف، پی برده شده است؛ چراکه یکی از مباحث اساسی درباره توسعه، میزان بهره‌مندی درست و منطقی از توانایی‌ها و استعداد‌های نیروی انسانی هر جامعه است. بر این اساس، رفع نشدن موانع بهره‌وری بهینه از نیروی بالقوه زنان در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، علاوه بر آنکه با تحقق هدف غایی عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی مغایرت دارد، دستیابی به توسعه را ناممکن می‌کند. بر این مهم، در سیاست‌ها و قوانین کلان جمهوری اسلامی ایران نیز تأکید شده است. به‌طوری‌که از یک‌سو، به تقدیس مقام مادری زن و اهمیت نقش زنان در خانواده برای استحکام و تعالی آن توجه شده و از سوی دیگر در گزاره‌های متعددی، بر حق زنان در احراز مشاغل در عرصه‌های مختلف و نیز لزوم و اهمیت نقش‌آفرینی آنها در توسعه کشور تأکید شده است»^۱.

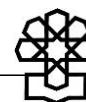
نکته دیگر اینکه با توجه به ابلاغ سیاست‌های کلی خانواده، رویکرد کلان نسبت به موضوع‌های کلیدی حوزه خانواده مشخص شده است که البته باید نسبت به مسائل نوپدید زنان و خانواده با سیاست‌ها مشخص شود. اما در حوزه زنان علی‌رغم وجود ماده (۲۱) قانون اساسی و اشاره به برخی از مسائل زنان دیگری وجود دارند که با توجه به تحولات اجتماعی ظهور پیدا کرده‌اند. بنابراین در کنار مرجعیت اسناد بالادستی در شناسایی مسئله، بررسی پژوهش‌ها و گزارش‌های کارشناسی دستگاه‌های اجرایی نیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

در این راستا موضوع‌های تأکید شده در قانون اساسی (در حوزه زنان و خانواده)، سیاست‌های کلی خانواده و سیاست‌های کلی جمعیت مورد بررسی قرار گرفته و نظام مسائل این حوزه براساس این اسناد ارائه شده است:

جدول ۱. محورهای اسناد بالادستی در حوزه زنان و خانواده

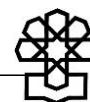
محورها و موضوع‌های هر ماده	اسناد سیاستی	
خانواده‌محور بودن کلیه قوانین و مقررات تسهیل ازدواج استحکام روابط خانوادگی مبتنی بر اخلاق و حقوق	اصل «۱۰»	
حقوق مادی و معنوی زن حمایت از مادران به‌خصوص در دوران بارداری حل مسئله حضانت فرزند و واگذاری قیمومت فرزندان به مادران دارای صلاحیت در صورت نبودن ولی شرعی حمایت از کودکان بی‌سرپرست دادگاه صالح با رویکرد حفظ کیان و بقای خانواده بیمه مخصوص زنان بیوه، سالخورده و بی‌سرپرست	اصل «۲۱»	قانون اساسی

۱. راحله کاردوانی، علی‌اکبر تاج مزینانی، عزت‌سادات میرخانی و سیدمهدی سجادی، بررسی راهبردهای سیاست اشتغال در حوزه مادری در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال ۱۸، ش ۷۲، ۱۳۹۵.



اسناد سیاستی	محورها و موضوع‌های هر ماده
بند «۱»	تحکیم خانواده تقویت کارکردهای اصلی خانواده خانواده به‌عنوان مرکز فرزندپروری
بند «۲»	خانواده‌محوری قوانین، سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی (به‌طور ویژه مسکن و شهرسازی)
بند «۳»	تقویت کارکردهای ارتباط خانواده و مسجد
بند «۴»	ترویج و تسهیل ازدواج موفق و آسان تشکیل خانواده و نفی تجرد تأکید بر راهبردهای اجرایی تشویقی، حمایتی، فرهنگ‌سازی و ارزشمندی تشکیل خانواده تأکید بر قانونگذاری در این حوزه
بند «۵»	افزایش کمی و کیفی سرمایه اجتماعی خانواده با شاخص‌های رضایت، انصاف، خدمت، احترام، مودت و رحمت افزایش کمی و کیفی روابط خانوادگی با تأکید بر استفاده مؤثر از اوقات فراغت جمعی مقابله با جنگ نرم فرهنگ‌سازی و تقویت تعاملات اخلاقی شبکه‌سازی نهادهای تربیتی، آموزشی و رسانه‌ای
بند «۶»	سبک زندگی ایرانی-اسلامی حفظ ارزش‌ها و سنت‌های پسندیده ازدواج پررنگ کردن اخلاق در خانواده مبارزه با تجمل و اشرافیت و مظاهر غرب گروه مرجع‌سازی و اصلاح گروه‌های مرجع
بند «۷»	بازنگری، اصلاح و تکمیل نظام حقوقی و رویه‌های قضایی با رویکرد خانواده‌محوری و مقتضیات جدید در نظر گرفتن راهبرد حکمیت تأمین عدالت تأمین امنیت
بند «۸»	روابط اسلامی بین زن و مرد در اجتماع
بند «۹»	ارتقای معیشت و اقتصاد خانواده (تأکید بر یکی از کارکردهای مهم خانواده)
بند «۱۰»	ساماندهی نظام مشاوره تسهیل دسترسی به سازوکار مشاوره آموزش و مهارت‌افزایی با محوریت ازدواج و استحکام خانواده
بند «۱۱»	تبدیل خانواده منفعل به خانواده فعال و کنشگری خانواده در امور کشور (مردمی‌سازی)
بند «۱۲»	تأکید بر تمایز نقشی زنانه و مردانه کرامت همسری حمایت از مادری و خانه‌داری زنان اهمیت فرزندپروری توانمندسازی با رویکرد افزایش مسئولیت‌پذیری، تعاملات خانواده و ایفای نقش‌های اعضای خانواده
بند «۱۳»	پیشگیری از عوامل تزلزل خانواده پیشگیری از طلاق پیامدهای این آسیب‌ها و جبران آنها شناسایی مستمر عوامل طلاق فرهنگ‌سازی کراهت طلاق
بند «۱۴»	انواع حمایت‌های حقوقی، اقتصادی و فرهنگی از خانواده‌های زن سرپرست

محورها و موضوع‌های هر ماده	اسناد سیاستی	
تسهیل بازاودواج زنان خودسرپرست و سرپرست خانوار		
روش‌های تکریم سالمندان در خانواده تقویت مراقبت‌های جسمی، روحی و عاطفی از سالمندان	بند «۱۵»	
سلامت همه‌جانبه خانواده‌ها سلامت باروری افزایش فرزندآوری	بند «۱۶»	
افزایش نرخ باروری به بیش از سطح جانشینی	بند «۱»	
رفع موانع ازدواج و فرزندآوری کاهش سن ازدواج توانمندسازی زوج‌های جوان در تأمین معاش و فرزندپروری	بند «۲»	
تسهیلات برای مادران باردار و شیرده پوشش بیمه‌ای هزینه‌های زایمان و درمان ناباروری مردان و زنان تقویت زیرساخت‌های درمان ناباروری	بند «۳»	
تحکیم خانواده از طریق: اصلاح و تکمیل آموزش‌های عمومی با رویکرد مهارت‌افزایی رفتاری و ارتباطی و فرزندپروری ارائه خدمات مشاوره‌ای بر مبنای فرهنگ و ارزش‌های اسلامی - ایرانی توسعه و تقویت نظام تأمین اجتماعی توسعه خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی در جهت سلامت باروری و فرزندآوری	بند «۴»	
ترویج و نهادینه‌سازی سبک زندگی ایرانی - اسلامی	بند «۵»	
ارتقای امید به زندگی تغذیه سالم پیشگیری از اعتیاد، سوانح، آلودگی‌های زیست‌محیطی و بیماری‌ها	بند «۶»	سیاست‌های کلی جمعیت
تکریم سالمندان تأمین سلامت و نگهداری از سالمندان در خانواده بهره‌مندی از تجارب و توانمندی‌های سالمندان در عرصه‌های مناسب از طریق اصلاح سازوکارها	بند «۷»	
تقویت فرهنگ کار در جامعه مهارت‌افزایی شغلی توسعه و حمایت از کارآفرینی بسترسازی برای مشاغل مؤثر و مولد (در مقابل گسترش مشاغل واسطه‌ای)	بند «۸»	
توزیع متعادل جمعیت با توجه به بحران‌های زیستی به‌ویژه آب	بند «۹»	
مهاجرت معکوس به روستاها و مناطق کم‌برخوردار از طریق توسعه زیرساخت‌ها (به‌ویژه در سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان)	بند «۱۰»	
مدیریت مهاجرت به خارج و داخل کشور	بند «۱۱»	
تشویق ایرانیان خارج از کشور به سرمایه‌گذاری داخلی	بند «۱۲»	
تقویت هویت ایرانی - اسلامی افزایش همبستگی اجتماعی	بند «۱۳»	
تدوین شاخص‌های بومی توسعه انسانی	بند «۱۴»	



موضوع‌های «تحکیم خانواده»، «تقویت کارکردهای خانواده»^۱، «محور بودن خانواده در فرزندپروری و اهمیت آن»، «ترویج و تسهیل ازدواج به‌هنگام»، «مقابله با جنگ نرم علیه خانواده»، «سبک زندگی ایرانی-اسلامی»، «ارتقای معیشت خانواده»، «ساماندهی نظام مشاوره و تسهیل در دسترسی به آن»، «حمایت از مادری»، «تقویت فرهنگ مسئولیت‌پذیری در خانواده»، «تکریم سالمندان و تقویت سازوکارهای مراقبتی از آنها در دل خانواده»، «سلامت خانواده»، «سلامت باروری»، «افزایش فرزندآوری» و «حمایت از اقشار زنان از جمله زنان سالخورده و بی‌سرپرست» در هر سه متن سیاستی تکرار شده است و این نشان از اهمیت ویژه موضوع‌های مذکور دارد.

نکته قابل ملاحظه این است که در سیاست‌های کلی خانواده از میان ۴۴ محور برشمرده شده، پنج محور به صورت مشخص به موضوع زنان اشاره داشته است. در این محورها، کرامت مادری و همسری، حمایت از خانواده‌های زن سرپرست و تسهیل بازازدواج آنها و حمایت از خانه‌داری زنان مورد توجه بوده است. از این رو به لحاظ توزیع کمی، حدود ۱۱ درصد از محورهای مذکور به زنان اختصاص پیدا کرده است. البته با توجه به اینکه سیاست‌های مذکور به طور مشخص با عنوان سیاست‌های کلی خانواده ابلاغ شده، نمی‌توان لزوماً این اختلاف در پرداختن به حوزه زنان و خانواده را دلیلی بر میزان اهمیت هر کدام و مرجعی برای تعیین نسبت این دو حوزه در برنامه‌های توسعه در نظر گرفت. با توجه به گستردگی موضوع‌های مورد اشاره در متن سیاست‌ها، موارد مذکور ذیل دسته‌بندی کلان‌تری قرار گرفتند:

جدول ۲. مسائل عمده حوزه زنان و خانواده مبتنی بر اسناد سیاستی

ردیف	حوزه مسئله	اهداف سیاستی در اسناد بالادستی	مسائل عمده
۱	تشکیل خانواده	<ul style="list-style-type: none"> ❖ کاهش سن ازدواج ❖ ترویج و تسهیل ازدواج و نفی تجرد ❖ رفع موانع ازدواج 	<ul style="list-style-type: none"> ❖ افزایش سن ازدواج ❖ اشتغال جوانان ❖ هزینه‌های بالای شروع زندگی
۲	تحکیم، رشد و ثمربخشی خانواده	<ul style="list-style-type: none"> ❖ تحکیم خانواده، پیشگیری از طلاق و شناسایی مستمر عوامل طلاق ❖ افزایش مهارت‌های رفتاری و شغلی ❖ افزایش نرخ باروری به بیش از حد جانشینی ❖ درمان ناباروری ❖ تأمین سلامت جسمی و روحی سالمندان ❖ اصالت کانون خانواده و فرزندپروری ❖ حمایت از نقش همسری و مادری و پدری ❖ ارتقای سرمایه اجتماعی خانواده با محوریت انصاف، عدالت، رضایت، احترام، مودت و رحمت ❖ اوقات فراغت خانواده‌محور ❖ سلامت خانواده ❖ ساماندهی نظام مشاوره 	<ul style="list-style-type: none"> ❖ ازدیاد طلاق و پیامدهای آن ❖ کاهش نرخ باروری و تهدید جوانی جمعیت ❖ تهدید کرامت سالمندان ❖ ناهماهنگی تکالیف اجتماعی زنان با مدیریت امور خانواده ❖ عدم توجه به فرزندپروری و زیرساخت‌های مورد نیاز آن ❖ عدم توجه به فراغت در قوانین و برنامه‌ریزی‌ها ❖ چالش‌های ساختاری و محتوایی حوزه مشاوره ❖ آشفتگی ساختاری نظام مشاوره و عدم نظارت محتوایی بر این حوزه
۳	زنان و خانواده‌های در معرض آسیب	<ul style="list-style-type: none"> ❖ حمایت حقوقی، اقتصادی و فرهنگی از خانواده‌های زن سرپرست ❖ تسهیل بازازدواج زنان خود سرپرست 	<ul style="list-style-type: none"> ❖ سرپرستی خانوار از سوی زنان ❖ تهدید سبک زندگی خانواده‌های روستایی و عشایر

۱. در سیاست‌های کلی جمعیت به طور مشخص به دو موضوع افزایش مهارت‌های تأمین هزینه‌های معاش و مهارت‌های رفتاری و مهارت‌های فرزندپروری به‌عنوان کارکردهای مهم خانواده اشاره شده است.

مسائل عمده	اهداف سیاستی در اسناد بالادستی	حوزه مسئله	ردیف
❖ عدم انطباق رویه‌های حقوقی و قضایی بر نیازها و مقتضیات جدید ❖ تهدید کارکرد و خدمات زنان خانه‌دار به خانواده و جامعه	❖ اصلاح و تکمیل نظام حقوقی و رویه‌های قضایی در حوزه خانواده متناسب با نیازها و مقتضیات جدید ❖ حمایت از خانه‌داری زنان ❖ مهاجرت معکوس به روستا		
❖ بخشی دیدن حوزه زنان و خانواده در برنامه‌های توسعه ❖ تعارض شاخص‌های جهانی توسعه با ارزش‌های فرهنگ دینی و ملی ایران	❖ محور قرار گرفتن خانواده در قوانین و مقررات ^۱ ❖ تدوین شاخص‌های بومی توسعه	حکمرانی حوزه زنان و خانواده	

لازم به توضیح است از میان مسائل شناسایی شده برخی موضوع‌ها به حوزه‌های دیگر از جمله سلامت، بهداشت و آسیب‌های اجتماعی مرتبط است که در این گزارش به آنها پرداخته نشده است.

در مراحل مختلف تدوین این گزارش سعی شده است با کسب نظر تخصصی از مطلعان کلیدی حوزه آسیب‌ها و مسائل زنان و خانواده، مسئولان و کارشناسان دستگاه‌های اجرایی و اندیشمندان و کنشگران این حوزه در چارچوب نظرسنجی برخط، برگزاری جلسات جمع‌اندیشی و تشکیل گروه کانونی، مراجعه به مطالعات مبتنی بر شواهد پیشین، مطالعات اسنادی و بررسی قوانین جاری کشور، غربالی از مسائل پیش رو صورت پذیرد تا با توجه به محدودیت زمان قانون برنامه، گستره مسئله در سطح جامعه، پرهیز از دوباره‌نویسی مواد قانونی مسئله‌محور جاری و اثربخشی راه‌حل‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت، به تبیین مفیدی از مسائل دست یافت.

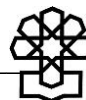
برخی از مسائل با وجود اهمیت و ابتلای برخی اقشار، جای درنگ و تعمق بیشتری داشته است که در این گزارش به دلیل فقدان امکان شناخت مبتنی بر شواهد و نامکشوف بودن ریشه‌های بروز و همچنین پیامدهای دخالت کوتاه‌مدت حاکمیت در آن، به آنها پرداخته نشده است و نیازمند مطالعات اکتشافی تکمیلی می‌باشند. وجود برخی تعارضات خانوادگی، تغییر برخی نقش‌های جنسیتی در خانواده و جامعه، معضلات حقوقی به خصوص برای زنان فاقد همسر به دلیل فوت و تغییر سبک زندگی نوجوانان دختر از جمله این مسائل است.

در بخش ذیل، به مرور مهم‌ترین مسائلی که در بستر اسناد بالادستی مورد هدف‌گذاری واقع شده و یا به نظر صاحب‌نظران در اولویت سیاستی قرار دارد پرداخته شده است.

۱-۱. مسائل حوزه تشکیل خانواده

خانواده ایرانی نهاد تولید سرمایه اجتماعی است و کارکردهای فراگیری برای جامعه دارد. تداوم پیوندهای خویشاوندی، انتقال بین‌نسلی آداب اجتماعی، رسوم، دین و فرهنگ، آموزش زبان، پرورش و اجتماعی کردن فرزندان از کارکردهای عمده خانواده است. این کانون اجتماعی در مسیر بازآفرینی نسلی خود در گذر زمان، در حال حاضر با چالش‌هایی روبه‌رو است.

۱. لازم به توضیح است این محور در مقدمه قانون اساسی نیز مورد تأکید قرار گرفته است.



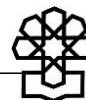
در یک نمای کلی از وضعیت تشکیل خانواده می‌توان گفت دو چالش کاهش نرخ ازدواج و افزایش میانگین سن ازدواج قابل توجه است. به عبارتی افراد به‌رغم نیاز به تشکیل خانواده، با تأخیر وارد مناسبات خانوادگی خود می‌شوند و این تأخیر نه تنها زمینه‌ساز آسیب‌ها و پیامدهای منفی است، بر اصل تشکیل خانواده و نرخ ازدواج نیز تأثیر منفی می‌گذارد.

نرخ ازدواج: بررسی فراوانی ازدواج نشان از کاهش درصد ازدواج‌ها در یک دهه گذشته داشته است اما بررسی نسبت نرخ ازدواج به جمعیت جوان و کل جمعیت با اندکی رشد روبه‌رو بوده است. نکته مهم در این مسئله فراوانی افراد هرگز ازدواج نکرده است. به عبارتی تعداد افرادی که در جامعه ازدواج نکرده‌اند و بخشی از آنها به مجرد قطعی می‌رسند بالاست و این گزاره به معنی عدم بهره‌مندی فراوانی قابل‌توجهی از افراد از نتایج مثبت ازدواج و تشکیل خانواده است. لذا با وجود کاهش نسبت هرگز ازدواج نکرده‌ها به جمعیت جوان کاهش درصد ازدواج‌ها و تأثیرات اجتماعی و فرهنگی آن بسیار است.

جدول ۳. نسبت میزان ازدواج‌ها به جمعیت جوان (۳۵-۱۵ سال) و جمعیت کل کشور

سال	جمعیت کشور	جمعیت جوان	تعداد ازدواج‌ها	مرد هرگز ازدواج نکرده	زن هرگز ازدواج نکرده	نرخ ازدواج‌ها به جمعیت جوان (درصد)	نرخ ازدواج‌ها به جمعیت کل (درصد)	نرخ هرگز ازدواج نکرده‌ها به جمعیت کل (درصد)	نرخ هرگز ازدواج نکرده‌ها به جمعیت کل (درصد)
۱۳۶۵	۴۹.۴۴۵.۰۱۰	۱۵.۹۶۶.۲۰۶	۳۴۰.۳۴۲	۷.۰۱۱.۵۲۶	۵.۱۲۷.۷۴۹	۲/۱	۰/۶۸	۴۳/۹۱	۲/۸
۱۳۷۰	۵۵.۸۳۷.۱۶۳	۱۸.۳۶۵.۶۶۱	۴۴۸.۸۵۱	۹.۱۰۶.۰۱۹	۶.۸۳۳.۴۶۳	۲/۴	۰/۸	۴۹/۵۸	۲/۸
۱۳۷۵	۶۰.۰۵۵.۴۸۸	۲۱.۰۲۶.۷۴۹	۴۷۹.۲۶۳	۱۰.۸۳۳.۷۳۰	۸.۸۴۸.۶۴۸	۲/۳	۰/۷۹	۵۱/۵۲	۲/۴
۱۳۸۵	۷۰.۴۹۵.۷۸۲	۳۰.۵۱۶.۶۶۶	۷۷۸.۲۹۱	۱۳.۱۳۰.۹۷۰	۱۰.۳۶۹.۸۹۳	۲/۵	۱/۱	۴۳/۰۲	۳/۳
۱۳۹۰	۷۵.۱۴۹.۶۶۹	۳۰.۶۶۶.۱۱۸	۸۷۴.۷۹۲	۱۲.۰۹۸.۳۰۳	۹.۴۸۳.۲۲۴	۲/۸	۱/۱۶	۳۹/۴۵	۴
۱۳۹۵	۷۹.۹۲۶.۲۷۰	۲۸.۶۵۳.۹۲۲	۶۷۰.۴۸۵	۱۱.۵۵۷.۸۳۷	۸.۵۹۶.۷۸۹	۲/۳	۰/۸۳	۴۰/۳۳	۳/۳

مأخذ: مرکز آمار ایران.



از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۹۰ با وجود رشد هر دو شاخص (جمعیت جوان و افراد هرگز ازدواج نکرده هرکدام به ترتیب ۷۹.۴ و ۶۶ درصد رشد داشته‌اند)، به دلیل پایین تر بودن درصد رشد افراد هرگز ازدواج نکرده در مقایسه با رشد جمعیت جوان، نسبت هرگز ازدواج نکرده‌ها به جمعیت جوان کاهش پیدا کرده است. به عبارتی افراد جوان با ازدواج کردن از گروه هرگز ازدواج نکرده‌ها خارج می‌شوند و به دلیل کاهش نرخ ولادت بعد از دهه ۶۰ میزان ورودی افراد جوان هرگز ازدواج نکرده در این بازه سنی کم می‌شود. لذا می‌توان گفت نرخ افراد هرگز ازدواج نکرده با عبور متولدان دهه ۶۰ از سن ازدواج رو به کاهش است اما هرچه سن افراد متولد دهه ۶۰ از سن ازدواج بالاتر می‌رود احتمال ثابت شدن این عدد وجود دارد. به عبارتی افرادی باقی می‌مانند که احتمال ازدواج آنها کاهش خواهد یافت.

با وجود کاهش افراد در سن ازدواج به دلیل تغییرات جمعیتی شیب کاهش نرخ ازدواج از کاهش جمعیت در سن ازدواج بیشتر است. از سوی دیگر به رغم اینکه نرخ افراد هرگز ازدواج نکرده نسبت به جمعیت در سن ازدواج در جامعه رو به کاهش است، بالا بودن فراوانی افراد مجرد در جامعه که شامل افراد هرگز ازدواج نکرده و افراد بدون همسر (به دلیل فوت و طلاق) است، یکی از متغیرهای مستعد تولید بحران و آسیب در جامعه خواهد بود. به عبارتی وقتی موضوع ازدواج را از حیث اهمیت افزایش تعداد خانواده در جامعه مورد تأکید قرار می‌دهیم باید افراد بدون همسر را رصد کنیم و این مسئله اهمیت نرخ طلاق، رشد آن و وضعیت بازازدواج‌ها در کشور و فرهنگ عمومی جامعه نسبت به آن را پررنگ می‌کند.

سن ازدواج: آمارها نشان می‌دهد میانگین سن ازدواج در سال ۱۴۰۰ برای مردان به ۲۹/۷ سال و برای زنان به ۲۴/۷ سال رسیده است. این شاخص برای ازدواج بار اول برای پسران ۲۷/۶ سال و برای دختران ۲۳/۴ سال است.^۱

جدول ۴. تغییرات میانگین سن ازدواج دختران و پسران در اولین ازدواج

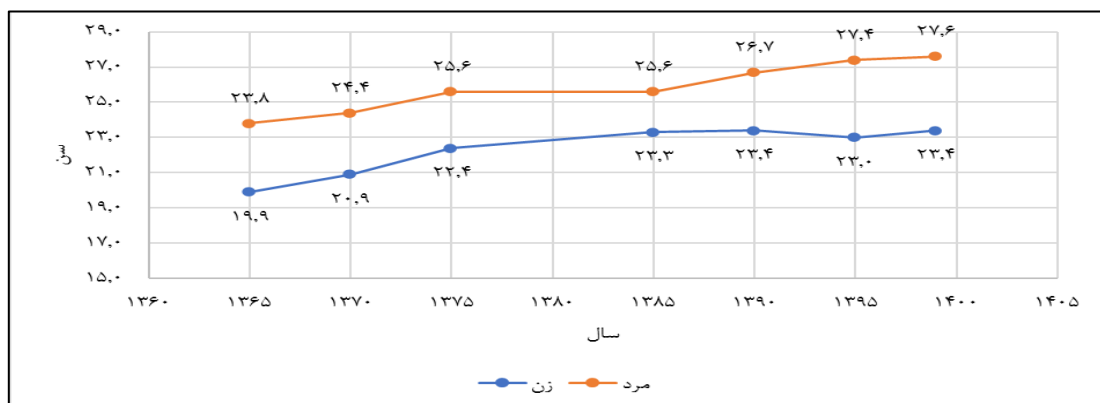
سال بررسی	۱۳۶۵	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰
میانگین سن ازدواج دختران در اولین ازدواج	۱۹/۸	۲۲/۹	۲۲/۹	۲۳/۱	۲۳/۳	۲۲/۹	۲۳/۴	۲۳/۴	۲۳/۴	۲۳/۴
میانگین سن ازدواج پسران در اولین ازدواج	۲۳/۶	۲۷/۳	۲۷/۳	۲۷/۳	۲۷/۹	۲۷/۴	۲۷/۵	۲۷/۶	۲۷/۶	۲۷/۶

مآخذ: سالنامه آماری، سازمان ثبت احوال کشور.

این تغییرات نشان‌دهنده رشد میانگین سن ازدواج بار اول حدود ۱۷ درصدی برای پسران و رشد ۱۸ درصدی برای دختران در بازه ۳۵ سال گذشته است.

۱. سازمان ثبت احوال کشور، دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت، ۱۴۰۱.

شکل ۱. میانگین سن اولین ازدواج برای مردان و زنان از سال ۱۳۶۵ تا ۱۴۰۰



در پیمایش‌های ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۸۲ و ۱۳۹۴ و پیمایش زندگی خانوادگی در سال ۱۳۹۸ یکی از پرسش‌ها از مردم مناسب‌ترین سن برای ازدواج دختران و پسران بوده است. بر این اساس در سال ۱۳۸۲ میانگین سن مناسب ازدواج برای پسران و دختران، به ترتیب ۲۴/۶ و ۲۰/۴ سال بوده است. این میزان با افزایش اندکی در سال ۱۳۹۸ به ۲۴/۹ و ۲۰/۸ برای پسران و دختران رسیده است.^۲ بنابراین می‌توان گفت به لحاظ نگرشی جامعه سن آمادگی برای ازدواج را پایین‌تر از اقدام برای ازدواج اعلام کرده است و موانع ازدواج به‌هنگام به افزایش فاصله تمایل ذهنی و اقدام عملی جوانان در این حوزه منجر می‌شود.

در بررسی دیگری^۳ که در سال ۱۳۹۴ انجام شده، جوانان، سن مناسب ازدواج پسران و دختران به ترتیب ۲۷/۶ و ۲۳/۲ سال بیان کرده‌اند. تفاوت نتایج تحقیقات انجام شده در سال ۱۳۹۴، به تفاوت در جامعه آماری آنها برمی‌گردد در یکی از پیمایش‌ها مخاطب عام است و در پیمایش دیگر جامعه آماری جوانان هستند و جوانان سن مناسب ازدواج را کمی بالاتر بیان کرده‌اند.

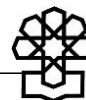
نکته دیگر تفاوت میانگین سن ازدواج در استان‌های کشور است. به‌گونه‌ای که میانگین سن مردان در اولین ازدواج در ۲۵ درصد از استان‌های کشور کمتر از ۲۶/۸ سال، در ۲۵ درصد بالایی بیشتر از ۲۸/۴ سال و در ۵۰ درصد میانی بین ۲۶/۸ تا ۲۸/۳ سال بوده است و در مورد زنان میانگین سن در اولین ازدواج در ۲۵ درصد از استان‌های کشور کمتر از ۲۲/۵ سال و در ۲۵ درصد بالایی بیشتر از ۲۴/۷ سال و ۴۵/۳ درصد از ازدواج‌های بار اول زنان در ۱۷ استانی رخ داده است که میانگین سن زنان در زمان ازدواج بار اول برای زنان ساکن آن استان‌ها، بین ۲۲/۶ تا ۲۴/۳ سال در نوسان بوده است.^۴

نکته مهم در تحلیل رابطه نگرش به سن مناسب ازدواج و میانگین سن ازدواج این است که در این مقوله تغییرات سن ازدواج و نگرش به سن ازدواج خیلی زیاد نبوده است، اما افزایش یک الی دو سال در میانگین سن ازدواج می‌تواند

۱. همان.

۲. محسن گودرزی، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج دوم). تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۲. محمدرضا جوادی یگانه. ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج سوم). تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۴. ایرج فیضی و مرضیه ابراهیمی. پیمایش زندگی خانوادگی در ایران. کرج: جهاد دانشگاهی واحد البرز، ۱۳۹۶.

۳. نگرش جوانان ایرانی به ازدواج، انتخاب همسر و تشکیل خانواده، ۱۳۹۴.
۴. سالنامه آماری ازدواج و طلاق ایرانیان، سازمان ثبت و احوال ایران، ۱۳۹۹.



به تغییر الگوی رفتار افراد در ازدواج و انتخاب همسر مناسب، تبدیل شود. لذا نزدیک شدن میانگین سن ازدواج به ۳۰ سال و نگرش مثبت جامعه به این سن نشان‌دهنده مسئله اجتماعی است.

نگرش به ضرورت ازدواج، نگرش به سن مناسب ازدواج، شکل‌گیری ساختارهای موازی ازدواج رسمی، نرخ ازدواج، نرخ باروری کل و تغییرات جمعیتی و ... همگی ارتباط معناداری با سن ازدواج دارند و البته از سن ازدواج تأثیر می‌پذیرند.

۱-۱-۱. موانع روی دادن ازدواج به‌هنگام

پژوهش‌های مختلفی با موضوعیت عوامل تأثیرگذار بر افزایش سن ازدواج و موانع ازدواج به‌هنگام انجام شده است و با توجه به ذو ابعادی بودن موضوع ازدواج، دلایل مختلفی برشمرده شده‌اند. مهم‌ترین این دلایل عبارتند از: مضیقه ازدواج (عدم دسترسی به گزینه مطلوب ازدواج)، مادی‌گرایی در مقابل ملاک‌های اخلاقی (زیبایی، ثروت، دارایی، طبقه اقتصادی - اجتماعی بالا، تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی)، ضعف حمایت‌گری‌های خانواده (عدم تصمیم به موقع و آماده‌سازی فرزندان - جهت ازدواج یا مخالفت با انتخاب فرزندان)، ضعف در همسان‌یابی (نبود راه صحیح شناخت دو جنس و دیده نشدن افراد پایبند به سنت‌ها در ساختارهای مدرن امروزی)، محاسبه هزینه‌فایده ازدواج (هزینه بالای ازدواج، نداشتن آمادگی ذهنی برای تقبل نقش‌های همسری و والدینی، تحصیل)، رواج تجرد و ازدواج در سنین بالا (در اولویت ندانستن ازدواج و زندگی مشترک) ناهنجاری در ازدواج (دوگانگی در ارزش‌ها و سردرگمی در ملاک‌های انتخاب همسر و انتظارات متناقض از زندگی) بی‌اخلاقی‌های اجتماعی (ارتباط دو جنس مخالف، تنوع‌طلبی جنسی) و بازاندیشی در هویت زنانه (تشکیک در نقش‌های متفاوت زن و مرد، اعتقاد به عدم الزام به ازدواج برای همه، جستجوی هویت زنانه در خارج از دایره ازدواج و کاهش مطلوبیت الگوی زن سنتی).^۱

براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس موانع ازدواج را می‌توان در سه دسته موانع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جای داد که همگی به شیوع ناطمینانی از آینده و ناتوانایی در تحقق کارکردهای خانواده منجر می‌شود. بر این اساس تورم، هزینه‌های بالای شروع زندگی، بیکاری، نداشتن شغل پایدار و نیافتن همسر دلخواه از جمله عوامل اصلی تأثیرگذار بر افزایش سن ازدواج جوانان هستند.^۲

به لحاظ نگرشی نیز در بررسی که از جوانان در سال ۱۳۹۴ انجام شده^۳ دلایل به تأخیر افتادن ازدواج آنها مورد پرسش قرار گرفته است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد جوانان ۱۸-۳۴ ساله ۱۵ مورد (نیافتن همسر دلخواه، نداشتن شغل، بالا بودن هزینه زندگی، بالا بودن هزینه تشریفات ازدواج، بالا بودن توقعات خانواده‌ها و مخالفت آنها، ترس از ازدواج ناموفق، بی‌اعتمادی به جنس مخالف، مردد بودن در تصمیم‌گیری، بالا بودن سطح انتظار طرف مقابل، داشتن برادر یا خواهر بزرگ‌تر مجرد، نداشتن انگیزه عاطفی لازم، ترس از مسئولیت‌های زندگی، محدودیت‌های زندگی متأهلی، مشغول تحصیل بودن و سن کم) را به‌عنوان اولویت انتخاب کرده‌اند که از میان آنها نیافتن همسر دلخواه، نداشتن شغل و بالا بودن هزینه زندگی مشترک سه رتبه اول را به خود اختصاص داده است.

۱. سیده‌فاطمه محبی، مونس سیاح و شیماسادات حسینی، دلالت‌های معنایی تأخیر در ازدواج دختران دانشجو، تهران: فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۱۳۹۵.

۲. ریحانه رحمانی‌پور، «عوامل تأثیرگذار بر افزایش سن ازدواج جوانان»، ۱۴۰۱.

۳. آقاسی، فلاح‌مین‌باشی، «نگرش جوانان ایرانی به ازدواج، انتخاب همسر و تشکیل خانواده»، ۱۳۹۴.

براساس پیمایش ملی خانواده (۱۳۹۸)؛ بیش از ۹۰ درصد پاسخگویان درآمد ناکافی و عدم شغل مناسب را مهم‌ترین دلیل تأخیر در ازدواج و بالا رفتن سن ازدواج دانسته‌اند. از نظر زنان و مردان نداشتن شغل مناسب و درآمد کافی، بالا بودن هزینه‌های ازدواج، عدم برخورداری از مسکن مستقل و بالا بودن سطح توقعات جوانان (با بیش از ۸۰ درصد موافقت) پنج عامل مهم افزایش میانگین سن ازدواج هستند.

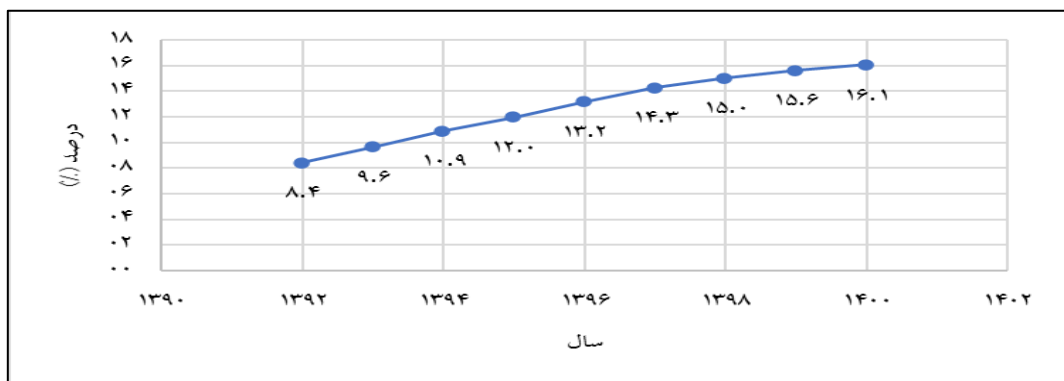
در پرسش دیگری از این پیمایش، «دلایل تأخیر ازدواج پاسخگویان را از خودشان جویا شده است. در این حالت «پایین بودن سن»، «بیکاری» و «نداشتن شغل دائم» در اولویت اول انتخاب شده‌اند، در اولویت دوم «نداشتن شغل دائم»، «پیدا نکردن فرد مناسب» و «بیکاری» و در اولویت سوم «پیدا نکردن فرد مناسب»، «مشکل تهیه مسکن» و «عدم احساس نیاز به ازدواج» انتخاب شده‌اند. به عبارتی می‌توان گفت در اولویت اول و دوم عوامل تأخیر ازدواج افراد، نداشتن شغل دائم و بیکاری مشترک بوده‌اند.»^۱

لذا می‌توان گفت نتایج پیمایش‌ها و تحقیقات نشان می‌دهد نگرش مردم و نتایج علمی بر یکدیگر منطبق است. البته باید توجه داشت الزاماً مرور این موانع، به معنای ضرورت تمهید مفاد مرتبط با راه‌حل مهار یا رفع آنها در چارچوب برنامه پنج‌ساله هفتم نیست و از این بین باید مبتنی بر اهداف کلی برنامه، اسناد بالادستی و آخرین وضعیت ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه دست به برآورد فرصت، تهدید، هزینه و فایده و درنهایت گزینش زد.

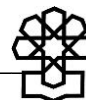
۲-۱-۱. پیامدهای افزایش سن ازدواج

افزایش سن ازدواج علاوه بر پیامدهای فردی و روانشناختی، تأثیرات گسترده‌ای بر نظام خانواده از جمله شکل‌گیری ساختارهای موازی خانواده، جابه‌جایی قدرت و مدیریت در خانواده، کاهش ضرورت تشکیل خانواده رسمی و کاهش نرخ ازدواج، کاهش رضایت از زندگی، افزایش سوءرفتارهای درون خانوادگی و ... دارد. البته دو پیامد عمده اجتماعی آن که موجب جابه‌جایی تعادل جمعیتی جامعه می‌شود شامل: ۱. کاهش فرصت باروری، ۲. تجرد قطعی گروهی از جامعه است. هر دوی این پیامدها آثار نامطلوب اجتماعی دیگری برجای می‌گذارند که به ترتیب در مقوله بحران پیری جمعیت و ضرورت‌های تأمین اجتماعی زیست مجردانه می‌گنجد.

شکل ۲. سهم زنان ۳۱ تا ۴۰ ساله از کل ازدواج‌های سال^۲



۱. پیمایش ملی خانواده، کرج: جهاد دانشگاهی واحد البرز، ۱۳۹۸.
 ۲. سازمان ثبت احوال کشور، دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت، ۱۴۰۱.

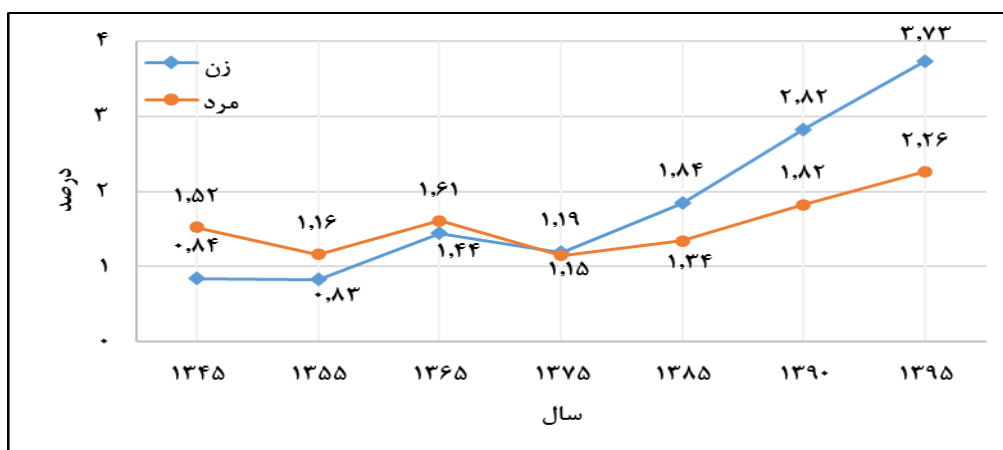


سهم ازدواج‌های دیرهنگام زنان در حال رشد است و این به معنای کاهش امکان استفاده از فرصت محدود باروری در ظرفیت بالفعل آن است که تداوم آن در سال‌های آتی نیز به اثر کاهشی بر نرخ باروری کل منجر می‌شود. براساس آمار ارائه شده از مرکز آمار ایران رشد مجرد قطعی زنان از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ حدود ۲۳۰ درصد و رشد مجرد قطعی مردان در این بازه زمانی حدود ۱۳۰ درصد بوده است. به عبارتی رشد مجرد قطعی زنان بیش از مردان بوده و این مسئله علاوه بر تأثیر بر نرخ باروری به رشد زنان خودسرپرست و چالش‌های مرتبط با این گروه از افراد می‌انجامد. «شاخص مجرد قطعی معرف نسبت کسانی است که هرگز ازدواج نمی‌کنند.»^۱ و سن ۵۰ سال برای رصد مجرد قطعی مشخص شده است. نتایج پژوهش دیگری^۲ نشان می‌دهد با انتقال سنی از گروه ۲۹-۲۵ سال به ۳۰ سال و بالاتر، شانس ازدواج دختران به شدت کاهش می‌یابد و احتمال ازدواج دختران در سن ۳۴-۳۰ سالگی حدود نصف احتمال ازدواج دختران در سن ۲۹-۲۵ سالگی است و اگر این دختران در گروه سنی ۳۹-۳۵ سالگی قرار گیرند این احتمال به یک پنجم کاهش می‌یابد. نکته مهم اینکه افزایش سن ازدواج مردان و افزایش شمار مردان هرگز ازدواج نکرده در سنین ۳۰ سالگی و بالاتر، تا حدودی شانس ازدواج دختران در سنین بالای ۳۰ سال را افزایش داده، اما این افزایش به هیچ‌وجه جبران‌کننده کاهش شانس ازدواج آنان نبوده است.

زنان در صورت فقدان بهره‌مندی از درآمد و پس‌انداز یا خدمات تأمین اجتماعی در حال حاضر، در آینده در زمره زنان نیازمند حمایت قرار خواهند گرفت.

مطابق تحلیل داده‌های خام سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن^۳ از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵، نرخ مجرد قطعی برای زنان نسبت به مردان رشد بیشتری داشته است و از میانه دهه ۱۳۷۰ خورشیدی در هر دو جنس رو به ازدیاد است چراکه مردان تمایلی به ازدواج با زنانی که از بازه سنی ۳۵ سال رد می‌شوند، ندارند.

شکل ۳. روند تغییرات شاخص درصد مجرد قطعی زنان و مردان در ایران^۴



۱. مرکز آمار و اطلاعات راهبردی. روند مجرد قطعی در ایران. تهران: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۶.
۲. مجید کوششی و مهدی خلیلی، «پیش‌بینی عمومیت ازدواج زنان ایران برپایه تحلیل الگوهای همسرگزینی»، بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۳۹۹.
۳. مرکز آمار ایران.
۴. نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵.

مطابق شکل فوق نرخ تجرد قطعی برای زنان در سال ۱۳۹۵ معادل ۱.۷ برابر این نرخ در مردان بوده است. احساس تنهایی، ترس از تنهایی، احساس محرومیت ناشی از نبود همسر و فرزند، هویت ناقص و هویت جنسیتی تحقق نیافته، نرسیدن به تکامل و فقدان شریک جنسی دائم از مسائل زنان دچار تجرد قطعی است.^۱ البته چالش‌های ذکر شده در مورد مردان نیز وجود دارد.

بر پایه نتایج گزارش مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۹^۲ حدود یک میلیون زن هرگز ازدواج نکرده ۳۰ تا ۳۹ ساله در کشور هستند که بخشی از آنان در زمره وضعیت تجرد قطعی قرار خواهند گرفت و از طرفی حدود ۲۴۲ هزار زن ۴۵ ساله و بیشتر هرگز ازدواج نکرده‌اند. این آمار در مورد مردان ۵۰ ساله و بیشتر، حدود ۸۲ هزار نفر است. به عبارتی می‌توان گفت میزان زنان هرگز ازدواج نکرده‌ای که به احتمال زیاد به تجرد قطعی رسیده‌اند نسبت به مردان هرگز ازدواج نکرده‌ای که به احتمال زیاد به تجرد قطعی رسیده‌اند حدود سه برابر بیشتر است.

به نظر می‌رسد طبق شواهد موجود، افزایش سن ازدواج دارای تبعات گسترده اجتماعی است و می‌توان مهار و پیشگیری از آن را به‌عنوان یک اولویت سیاستگذاری تلقی کرد.

۲-۱. مسائل حوزه تحکیم، رشد و ثمربخشی خانواده

وضعیت خانواده در ایران امروز وضعیت چندان رضایت‌بخشی نیست. در یک سلسله‌مراتب تحولی در شکل‌گیری خانواده از قبل از ازدواج تا بعد از طلاق می‌توان خانواده را در قالب هفت چالش یا مشکل بررسی کرد؛ تعداد زیاد افراد حاضر در سن ازدواج در سطح کشور یا بالا رفتن سن ازدواج، مشکل جدی در زمینه پیدا کردن همسر مناسب، نابسامانی مشاوره‌های پیش از ازدواج، آموزش‌های بعد از ازدواج، مشاوره‌های ازدواج و مداخله‌های بعد از اختلاف‌ها و ناسازگاری‌ها، مسائل قانونی مربوط به حوزه ازدواج و طلاق و وجود صدها هزار مطلقه در جامعه.^۳

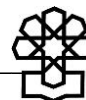
۱-۲-۱. ازدیاد طلاق و پیامدهای آن

نرخ خالص طلاق با توجه به سنجش جمعیت در معرض طلاق معرف خوبی برای بررسی شیوع طلاق در جامعه است. نرخ خالص طلاق در سال‌های گذشته به شرح ذیل است:

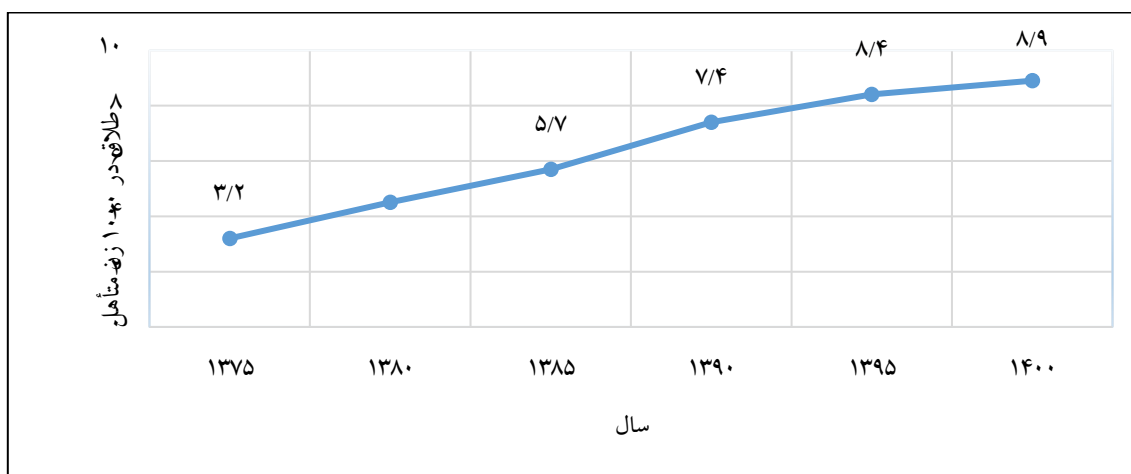
۱. سیدحسن حسینی و زینب ایزدی، پدیدارشناسی تجربه زیسته زنان مجرد جمعیت مورد مطالعه: زنان مجرد بالای ۲۵ سال شهر تهران، نشریه مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان « دوره ۱۴، ش ۱، ۱۳۹۵.

۲. مرکز آمار ایران، طرح آمارگیری نیروی کار در سال ۱۳۹۹، ۷- جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر برحسب سن به تفکیک جنس و وضع زناشویی، ۱۴۰۰.

۳. محمود گلزاری، خانواده ایرانی در بحران، سپیده دانایی، ش ۸۷، خرداد ۱۳۹۴.



شکل ۴. نرخ خالص طلاق از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۹



در سال ۱۳۷۵ به ازای هر ۱۰۰۰ زن متأهل، ۳/۲ طلاق رخ داده است و این شاخص با رشد تقریبی ۱۶۲ درصدی در سال ۱۳۹۵ به ۸/۴ طلاق در بین هر هزار زن متأهل رسیده است. همین تغییر وجه ممیزه پدیده طلاق نسبت به سایر آسیب‌های اجتماعی است، به طوری که کمتر آسیبی در جامعه وجود دارد که ظرف ۲۰ سال چنین رشدی داشته باشد. در یک دهه گذشته (۱۳۹۰-۱۴۰۰) نیز نرخ طلاق متأهلان^۲ با رشد حدود ۲۰ درصد روبرو بوده است.

البته لازم به ذکر است این شاخص گویای تغییرات نسلی پدیده طلاق نبوده و تغییرات شاخص مذکور در بازه های سنی متفاوت زنان، تفاوت های معناداری دارد.

مطابق برآورد آماری مرکز آمار ایران تا سال ۱۳۹۹ در بین جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر، ۶۵۹ هزار زن و ۳۶۴ هزار مرد بی‌همسر بر اثر طلاق در جامعه وجود دارد. مطابق همین گزارش از این بین ۱۲۱ هزار زن و مرد زیر ۲۹ ساله هستند.^۳ بر این اساس حدود ۱۲ درصد از افراد بدون همسر به دلیل طلاق زیر ۲۹ سال سن دارند که باید برای باز ازدواج آنها تسهیلگری کرد. طلاق به خودی خود یک آسیب نیست و در برخی موارد حتی می‌تواند راهگشا باشد. با این حال این افراد شامل زن و مرد و اغلب جوان هستند که لازم است شیوه مناسب و درست زندگی در دوران بعد از جدایی و مدیریت طلاق را آموزش ببینند. همچنین باید در زمینه ازدواج این افراد فرهنگ‌سازی شود و آموزش‌های لازم بیاموزند تا از آسیب‌ها و تنهایی‌ها جلوگیری شود.^۴

نکته دیگر در مورد رخداد طلاق، نسبت آن با عمر زندگی مشترک است. به گونه‌ای که حدود ۳۵ درصد طلاق‌ها در دو سال پایانی ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ در چهار سال اول زندگی زوجین اتفاق افتاده و با توجه به تغییرات فرهنگی جامعه و فرزندآوری خانواده‌ها بعد از گذشت پنج سال از شروع زندگی می‌توان گفت که حدود ۳۵ درصد از خانواده‌ها قبل از فرزندآوری از طریق رخداد طلاق از بین می‌روند و از این حیث طلاق تأثیر منفی بر فرزندآوری داشته است.

۱. سازمان ثبت احوال کشور، دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت، ۱۴۰۰ و سالنامه آمارهای جمعیتی ۱۳۹۶ (طلاق در ایران)، بهار ۱۳۹۷.
۲. شاخص طلاق متأهلان نسبت به دیگر شاخص‌های سنجش وضعیت طلاق در جامعه دقیق‌تر است چراکه مبتنی بر ازم‌گسیختگی واحد خانواده تدوین شده است. طلاق متأهلان به معنای فراوانی تعداد طلاق در هر هزار زن متأهل است.
۳. مرکز آمار ایران، طرح آمارگیری نیروی کار در سال ۱۳۹۹.
۴. محمود گلزاری و سپیده دانایی، خانواده ایرانی در بحران، ش ۸۷، ۱۳۹۴.

در حوزه بررسی طلاق دو موضوع مهم علل طلاق و پیامدهای اجتماعی آن است. به عبارتی علاوه بر رویکرد کاهش نرخ طلاق متأهلان در جامعه باید بخشی از سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در راستای رفع عوامل رخداد طلاق و کاهش آسیب‌های آن تدوین شود.

در پیمایش ملی خانواده (۱۳۹۸) نیز عوامل مؤثر بر طلاق از میان پاسخگویان مورد پرسش قرار گرفته است. «عدم وفاداری زوجین»، «رفتارهای خشونت‌آمیز زوجین نسبت به یکدیگر»، «بیکاری همسر»، «تأثیر فشارهای اقتصادی بر خانواده» و «دخالت خانواده‌ها در زندگی زوجین» پنج عامل اولی بودند که از نظر پاسخگویان به میزان بسیار زیاد و زیاد در رخداد طلاق اثرگذار بودند. در این بررسی سؤال دیگری از پاسخگویان پرسیده شده است که به نوعی می‌تواند نشان‌دهنده احتمال بروز طلاق در آینده و یا طلاق عاطفی در جامعه باشد. به گونه‌ای که حدود ۲۲ درصد از افراد در پاسخ به سؤال «آیا در طول سال گذشته به این فکر کرده‌اید که ممکن است رابطه‌تان با همسرتان دچار مشکل شود؟» گزینه بله را انتخاب کرده‌اند و از این میان حدود ۳۰ درصد موضوع اختلاف را مسائل مالی، حدود ۲۳ درصد دخالت خانواده‌ها و ۱۷ درصد نیز بی‌توجهی را به‌عنوان موضوع اختلاف بیان کرده‌اند.

همچنین در گزارش سازمان بهزیستی^۱ عوامل طلاق براساس پرونده‌های طلاق مراجعه شده برای مشاوره طلاق از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ احصا شده است. بر این اساس بی‌توجهی و کمبود مهارت‌های سازگاران در سنوات مختلف تکرار شده است که به نوعی نشان از عدم مهارت‌های ارتباطی و رفتار مناسب در زندگی است.

بنابراین با توجه به نتایج به‌دست آمده از بیان علت طلاق از افرادی که در معرض پدیده طلاق قرار گرفته‌اند، نگرش عمومی مردم نسبت به این موضوع و همچنین اختلاف‌های یک سال گذشته در پیمایش مذکور، می‌توان گفت خلق و خوی نامناسب، مسائل مالی و اقتصادی و دخالت خانواده‌ها و وابستگی عوامل کلیدی در بروز پدیده طلاق در جامعه هستند که باید در راستای رفع آنها برنامه‌ریزی کرد.

در مورد پیامدهای بعد از طلاق می‌توان به کم شدن فرصت ازدواج دوباره و احساس تنهایی و منزوی شدن،^۲ گسترش ترس از ازدواج^۳ و افزایش احتمال طلاق^۴ در فرزندان خانواده‌های طلاق و ... اشاره داشت. البته پیامدهای ناشی از طلاق در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی بسیار گسترده است اما یکی از عوامل مهمی که خود می‌تواند زمینه‌ساز دیگر آسیب‌های اجتماعی باشد، تنهایی و زیست تجردی است. لذا در این راستا موضوع بازازدواج افراد دارای اهمیت می‌شود و با توجه به روند افزایشی طلاق در کشور و نیروهای بازدارنده فرهنگ جامعه در خصوص بازازدواج برای بانوان باید برنامه‌ریزی در راستای تسهیل این ازدواج‌ها در دستور قرار گیرد.

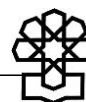
به لحاظ آماری، داده‌های موجود نشان می‌دهد که در سه سال ۱۳۹۲، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ بالای ۹۰ درصد از ازدواج‌ها تجربه اول زن و مرد بوده، در حالی که از سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ میزان ازدواج‌های زن و مرد در اولین تجربه‌شان نسبت به کل ازدواج‌های هر سال حدود ۸۰ درصد بوده است. به عبارتی می‌توان گفت میزان ازدواج‌های دوباره (بازازدواج‌ها)

۱. نامه دریافتی از سازمان بهزیستی کشور به شماره ۱۴۰۱/۹۰۰/۱۱۹۶۲۷/۱۴۰۱/۱۴۰۱ به تاریخ ۱۴۰۱/۸/۲۸.

۲. سیدفاطمه محبی، «آسیب‌شناسی اجتماعی زنان. طلاق»، مطالعات راهبردی زنان، ۱۲۸۰.

۳. کرم حبیب‌پور گنابی و حسین نازک‌تبار، «عوامل طلاق در استان مازندران»، مطالعات راهبردی زنان، ۱۳۹۰.

۴. مسعود صدراشرفی و همکاران، «آسیب‌شناسی طلاق و راهکارهای پیشگیری از آن»، مهندسی فرهنگی، ۱۳۹۱.



نسبت به ازدواج‌های بار اول زوجه تا سال ۱۳۹۹ در حال رشد بوده و در سال ۱۴۰۰ با رشد منفی روبه‌رو شده است. این روند در مورد مردان نیز با مقداری تفاوت مشابه بوده و در سال ۱۴۰۰ به رشد صفر رسیده است.

جدول ۵. روند تغییرات بازازدواج به تفکیک زوج و زوجه^۱ (درصد)

سال	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱ بهار
نرخ بازازدواج زوج	۳/۴	۴/۰۱	۴/۹	۱۱/۳	۱۴/۶	۱۵/۴	۱۵/۹	۱۶/۵	۱۶/۵	۱۶/۵
درصد رشد بازازدواج زوج	۱۷/۹۴	۹۷	۱۳۰/۶	۲۹/۲	۵/۴۷	۳/۲	۳/۷	۰		
نرخ بازازدواج زوجه	۲/۴	۲/۹	۳/۸	۹/۸	۱۳/۰۱	۱۳/۹	۱۴/۶۳	۱۵/۲۵	۱۵	۱۵/۱۷
درصد رشد بازازدواج زوجه	۲۱	۳۱	۱۵۷	۳۰	۶/۸	۵/۲	۴/۲	-۱/۶		

ازسوی دیگر بررسی سن بیشترین بازازدواج نشان‌دهنده افزایش سن بازازدواج است. به عبارتی با افزایش سن ازدواج، سن بازازدواج نیز افزایش پیدا می‌کند.

جدول ۶. سنین با بیشترین فراوانی بازازدواج

سال	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱
سن بیشترین بازازدواج ثبت شده برای مردان	۲۸-۲۹-۳۱	۲۹-۳۰	۳۰-۳۱	۳۰-۳۱	۳۱-۳۲	۳۲-۳۳	۳۳-۳۴	۳۴-۳۵	۳۴-۳۵	۳۵-۳۷
سن بیشترین بازازدواج ثبت شده برای زنان	۲۷-۲۸	۲۵-۲۷	۲۸-۳۰	۲۶-۲۸-۲۹	۳۰-۳۱	۲۸-۲۹	۲۹-۳۰	۲۹-۳۱	۳۰-۳۱	۳۱-۳۳

با توجه به اینکه بازازدواج یکی از روش‌های کاهش برخی از پیامدهای طلاق بوده و به نوعی با هدف بازسازی خانواده شکل می‌گیرد و به دنبال تحقق کارکردهای خانواده است، با افزایش سن ازدواج و به تبع آن سن بازازدواج، کارکردهای آن حداقلی می‌شود. لذا سن ازدواج بر امکان بازازدواج افراد نیز اثرگذار است.

۲-۲-۱. کاهش نرخ باروری و تهدید جوانی جمعیت

سیاست‌های کلی جمعیت در سال ۱۳۹۳ با تأکید بر ارتقای نرخ باروری به بیش از سطح جایگزینی ابلاغ شد و در این راستا قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در سال ۱۴۰۰ به تصویب رسید که در آن تمهیدات تشویقی نسبتاً گسترده‌ای به منظور افزایش شاخص باروری کل در نظر گرفته شده است.

۱. بر اساس داده‌های ارسالی از سوی سازمان ثبت احوال کشور، دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت در نامه ای به شماره ۱۴۰۱/۵/۸۸۸۴۶ مورخ ۱۴۰۱/۰۷/۱۸ به مرکز پژوهش‌های مجلس.

باین حال به دلیل سابقه حدود ۴۰ ساله در سیاست‌های کاهش باروری، هنوز تا هماهنگی همه بخش‌های اجرایی کشور با این سیاست‌ها فاصله وجود دارد و در این راستا انجام اقدام‌های تکمیلی برای تغییر بافت ارائه خدمت در کشور براساس حمایت از خانواده و جوانی جمعیت ضرورت دارد.

در این راستا برنامه هفتم توسعه می‌تواند از دو مسیر به بحران پیری جمعیت بپردازد: ۱. تسهیل اجرای فراگیر قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت (۱۴۰۰) با رویکرد تأمین مالی و ۲. پرداخت به جنبه‌های مغفول‌مانده از سیاست‌های کلی جمعیت در راستای ارتقای نرخ باروری با حداقل بار مالی.

چند گروه از موانع بر سر راه تغییر الگوی باروری مردم قرار دارند: ۱. گروه موانع مغل از دواج، ۲. گروه موانع مغل فرزندانوری. اگر به‌زای کل زنان مجرد و متأهل در سن باروری ۲/۱ فرزند وجود داشته باشد (تا سن ۵۰ سالگی، هر زن ۲/۱ فرزند به دنیا آورد)، اصطلاحاً باروری در حد جایگزینی است؛ ولی در کشور ما نرخ باروری زیر این حد است، این پدیده دو علت جمعیت‌شناختی دارد: ۱. بخشی از زنان متأهل نشده و فرزندانوری آنان به تعویق افتاده است، ۲. بخشی از زنان باروری خود را تا حد مورد تمایل محقق نکرده‌اند یا بعداً محقق می‌کنند.

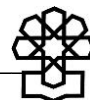
باروری در نسل‌های جدید متفاوت شده است. در ازای هر زن در سن ۱۵ تا ۴۴ سال در کشور ۱/۱۵ فرزند و به‌زای هر زن متأهل در همین بازه سنی ۱/۶۵ فرزند وجود دارد (مرکز آمار ایران ۱۳۹۵). این رقم برای زنان متأهل متولد دهه ۱۳۵۰ که ۳۵ تا ۴۴ ساله بوده‌اند ۲/۲۵ فرزند، برای زنان متأهل متولد دهه ۱۳۶۰ که ۲۵ تا ۳۴ ساله بوده‌اند ۱.۳۷ فرزند و برای زنان متأهل دهه ۱۳۷۰ که ۱۵ تا ۲۴ ساله بوده‌اند ۰.۶ فرزند است.^۱ میانگین فرزندانوری زنان متأهل متولد دهه ۱۳۵۰ تا پایان فرصت باروری خود (در اینجا ۴۴ سالگی در نظر گرفته شده است)، ۲/۶۴ فرزند است.

یکی از مقولاتی که باید بیش‌ازپیش در زمینه حمایت از فرزندانوری مورد توجه سیاستگذاران قرار گیرد، محوریت یافتن اقشار مختلف زنان به‌عنوان اصلی‌ترین مخاطب این سیاست‌هاست. در این بین حمایت همزمان از زنان خانه‌دار و شاغل می‌تواند مفید باشد. اما باید توجه داشت بخشی از ظرفیت بزرگ تشکیل خانواده و فرزندانوری، مربوط به جوانانی است که هنوز مجردند.

به‌عبارتی حدود ۵ میلیون نهمصد هزار زن مجرد هرگز ازدواج نکرده ۱۵ تا ۴۴ ساله وجود دارند که از این تعداد، یک میلیون و نهمصد هزار زن مجرد، در سنین ۲۵ تا ۳۹ سال هستند و امکان باروری دارند. این آمار نشان می‌دهد در صورتی که شرایط ازدواج به‌هنگام برای آحاد زنان فراهم شود، الگوی باروری قابلیت نزدیک شدن به نرخ مطلوب و بیش از حد جایگزینی را دارد. در همین حال یک میلیون و ششصد هزار مرد هرگز ازدواج نکرده آماده تشکیل خانواده هستند که از این بین ۲ میلیون مرد مجرد در سنین ۳۰ تا ۴۹ سال هستند.^۲ مضاف بر آن جمعیت نابارور نیز از گروه افرادی هستند که تمایل به فرزندانوری در میان آنها بالا بوده اما به‌دلیل هزینه‌های بالای درمانی امکان فرزندانوری برای آنها مهیا نشده است. البته بخش چشمگیری از مسائل مرتبط با فرزندانوری از جمله بیمه ناباروری در «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» مورد توجه بوده است.

۱. مرکز آمار ایران، درصد اطلاعات خام سرشماری ۱۳۹۵، سال ۱۳۹۶.

۲. مرکز آمار ایران، طرح آمارگیری نیروی کار در سال ۱۳۹۹.



نکته دیگر در مورد فرزندآوری نگرانی از آینده فرزند در ابعاد مختلف است که یکی از مسائل مهم آن فرزندپروری است. این موضوع تحت عنوان مهارت‌های تربیت فرزند و فرزندپروری در سیاست‌های کلی خانواده و سیاست‌های کلی جمعیت نیز مورد تأکید بوده است. بنابراین یکی از راهبردهای مهم در تشویق خانواده‌ها به فرزندآوری تسهیل شرایط فرزندپروری خواهد بود. چراکه براساس داده‌های پیمایش ملی خانواده (۱۳۹۸) سخت بودن تربیت فرزند ۶۲ درصد و نگرانی از آینده فرزند ۶۸ درصد از مهم‌ترین مشکلات و محدودیت‌های داشتن فرزند را به خود اختصاص داده که نشان‌دهنده نیاز والدین جوان به حمایت در فرایند تربیت کودک در قالب افزایش مهارت‌های تربیتی و مراکز نگهداری و تربیت کودکان است.^۱

۳-۲-۱. تهدید کرامت سالمندان

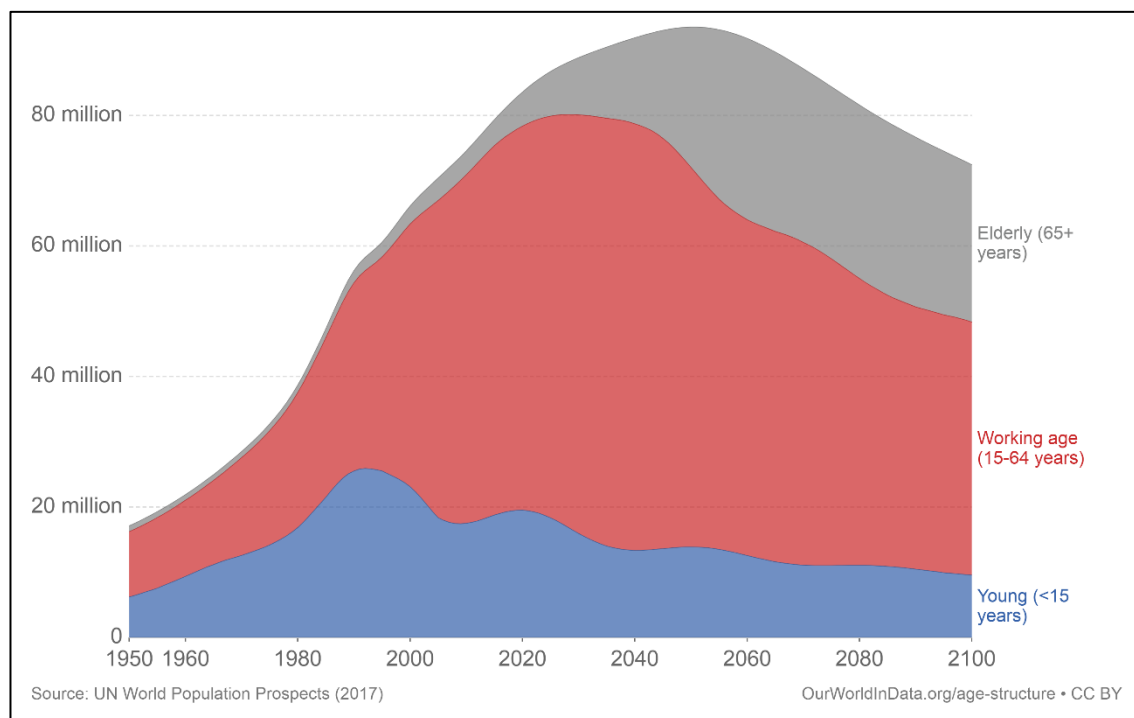
در همه مطالعات ثابت شده با ورود به مرحله سالمندی، هزینه‌های درمانی در بخش‌ها و شکل‌های مختلف روند تصاعدی خواهد داشت. علل این امر در سالمندی در مقایسه با سایر سنین عبارتند از: مصرف مداوم و مکرر حجم بالایی از خدمات سلامت، طولانی‌تر شدن مدت استفاده از خدمات (مانند افزایش مدت اقامت و بستری در بیمارستان‌ها و اقامتگاه‌های سلامت) و هزینه‌های بالای دارویی و درمانی در هر دوره از درمان در مقایسه با سایر گروه‌های سنی به جهت نوع بیماری و میزان پاسخ‌دهی به درمان‌ها. مطالعه‌های زیادی که در آمریکا در مورد سالمندی و هزینه‌های سلامت انجام گرفت نشان داد هزینه‌های درمانی در گروه سنی ۶۵ سال و بالاتر بین ۵-۳ برابر بیشتر از گروه سنی کمتر از ۶۵ سال است.^۲

اگرچه پیری جمعیت یک پدیده جهانی است و مختص یک منطقه جغرافیایی خاص یا یک کشور نیست ولی سرعت سالمندی و برنامه‌ریزی برای روبه‌رو شدن با آن در مناطق مختلف فرق می‌کند. پیری جمعیت یکی از مهم‌ترین چالش‌های قرن بیست‌ویکم است. در مورد پیری جمعیت، دو تفاوت در بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه وجود دارد: اول، درحالی‌که سالمندی جمعیت در کشورهای توسعه‌یافته در عرض ۱۰۰ سال اتفاق افتاده، در کشورهای در حال توسعه در حدود ۲۵ سال اتفاق افتاده است بنابراین کشورهای در حال توسعه فرصت کمتری برای برخورد با پیری جمعیت دارند. دوم، در کشورهای توسعه‌یافته دولت و مردم خود را برای این چالش مهم آماده کرده‌اند درحالی‌که در کشورهای در حال توسعه حتی از گرفتاری‌ها و پیچیدگی‌های اقتصادی، اجتماعی و از همه مهم‌تر بهداشتی این چالش آگاه نیستند.^۳

۱. آسیه ارحامی، «رصد رفتارها و نگرش‌های ایرانیان در موضوع فرزندآوری»، ۱۴۰۱.
۲. ستار رضایی، بهزاد کرمی متین، سیروس علی‌نیا، فرامرز شاه‌احمدی و علی کاظمی کربانی، سالمندی در ایران ۱۴۱۰، هشدار برای نظام سلامت، فصلنامه علمی پژوهشی طب و تزکیه، معاونت آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ۱۳۹۲.
۳. همان.

شکل ۵. وضعیت گذشته، حال و آینده نسبت جمعیت نوجوان، در سن کار و سالمند در ایران براساس

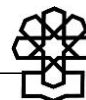
پیش‌بینی حد وسط دفتر جمعیت سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۷



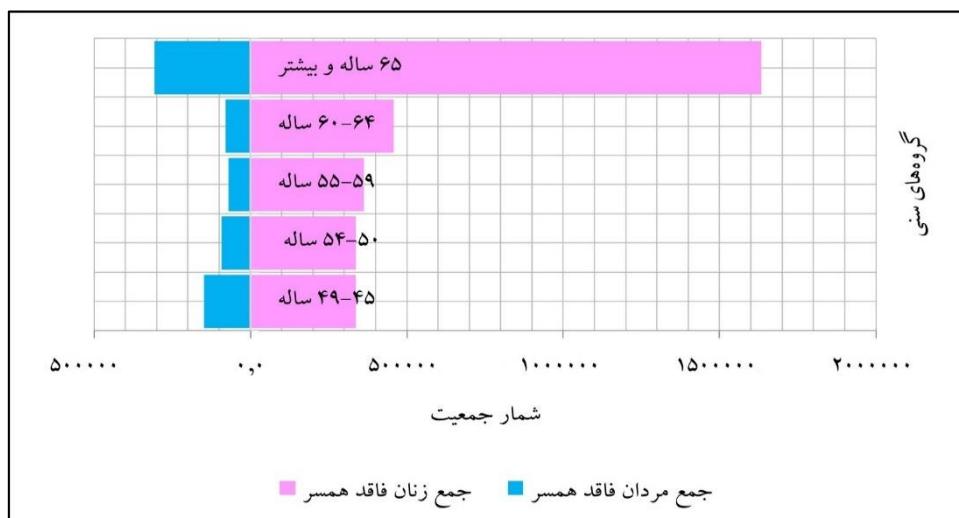
سالمند شدن جمعیت، رشد بیماری‌های مزمن را در پی دارد و می‌تواند هزینه‌های مالی سنگینی را تحمیل کند. پوشش مناسب بیمه‌ای برای سالمندان، ایجاد مراکز مراقبت و نگهداری از سالمندان، ایجاد امکانات و تجهیزات مناسب سالمندان در بیمارستان و برنامه‌ریزی در جهت آموزش تعداد متخصصان این رشته، افزایش سن بازنشستگی و آموزش کارکنان و پرسنل نظام سلامت در مورد مراقبت‌های سالمندان و موارد دیگر می‌تواند در کاهش مشکلات سالمندی بسیار مؤثر باشد.^۱

بسیاری از خانواده‌های ایرانی خود به نگهداری و مراقبت از سالمندان می‌پردازند. این یک رویه تاریخی بوده است. اما این سؤال مطرح می‌شود که در صورت تحقق پیش‌بینی‌های جمعیتی و رسیدن نسل متولدان دهه ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ به سنین سالمندی، آیا تعداد کافی فرزند برای هر سالمند وجود دارد که مراقبت از وی را به‌عهده گیرد؟ برای جمعیت پرشماری که ازدواج نکرده‌اند و فرزندی ندارند چطور؟ آیا شهرها و روستاها امکانات لازم برای پذیرش زیست سالمندی در حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد کل جمعیت را دارا هستند؟

وجه متمایز دیگر سالمندی در ایران علاوه بر حجم بسیار گسترده و خطرناک و همچنین فقدان زیرساخت یاری سالمندی، زنانه شدن نسبی آن است.



شکل ۶. شمار جمعیت گروه‌های سنی فاقد همسر در مردان و زنان در سال ۱۳۹۹



مطابق شکل فوق در گروه‌های سنی مختلف، جنسیت غالب جمعیت فاقد همسر، زنان هستند. در گروه سنی ۴۵ تا ۴۹ سال، جمعیت زنان دو برابر، در گروه سنی ۵۰ تا ۵۴ سال، سه برابر و در گروه‌های سنی مسن‌تر، پنج برابر است. براساس پژوهشی که در سال ۱۳۹۹ انجام گرفته است «زنان سالمند کشور حدود ۹.۵ درصد از کل جمعیت زنان را شامل می‌شوند که انتظار می‌رود براساس پیش‌بینی محتمل آینده‌نگرانه جمعیت این گروه به حدود ۳۲.۷ درصد در افق چشم‌انداز ۱۴۳۰ افزایش یابد. ۴۴ درصد زنان سالمند باسواد بوده که ۵۰ درصد از آنها سوادشان در سطح ابتدایی است. ۴۳.۳ درصد از ایشان همسران خود را از دست داده‌اند و ۲۴ درصد از زنان سالمند به تنهایی زندگی می‌کنند. همچنین ۳۹.۷ درصد از زنان سالمند سرپرست خانوارهایی بودند که در آن زندگی می‌کردند»^۲. نکته دیگر در مورد این زنان این است که هرچه سن آنها افزایش پیدا می‌کند بعد خانوار آنها کوچک می‌شود لذا با توجه به آمارهای موجود و پیش‌بینی که از آینده وجود دارد می‌توان گفت در سال ۱۴۳۰، با فرض جمعیت ۹۵ میلیونی جامعه ایران حدود ۱۵.۵ میلیون زن سالمند در جامعه حضور خواهند داشت و با توجه به اینکه بخش زیادی از این افراد زیست تنها و نیازهای خاص خود را دارند، توانمندسازی افراد میانسال برای جلوگیری از سالمندی پرچالش، تأمین زیرساخت‌های امن در راستای رفع این نیازها از جمله ساماندهی نظام پرستاری خانه‌محور در اولویت قرار دارد.

ازسوی دیگر با توجه به عدم پذیرش عرفی و فرهنگی جامعه در استفاده از خانه سالمندان و احساس رضایت و امنیت بالاتر خانواده‌ها و خود سالمند در نگهداری در جمع خانواده و ازسوی دیگر چالش‌هایی از قبیل مهاجرت فرزندان، نداشتن امکانات لازم در نگهداری از سالمندان و ... یکی از راهکار مناسب به جهت جلوگیری از تنهایی سالمندان و آسیب‌های آن فراهم کردن امکان همزیستی و افزایش بعد خانوار این افراد است. به عبارتی تشکیل خانه‌های همزیستی سالمندان با امکان‌های حمایتی مشخص که ازسوی گروه‌های مردمی صورت می‌گیرد می‌تواند راهبرد خوبی در راستای حمایت از این گروه از جامعه باشد. نکته دیگر که می‌تواند نقطه اشتراک فرزندپروری و حفظ کرامت سالمندی باشد

۱. مرکز آمار ایران، طرح آمارگیری نیروی کار در سال ۱۳۹۹.

۲. احمد دراهکی و رضا نوبخت، «بررسی وضعیت اقتصادی و اجتماعی زنان سالمند ایرانی براساس آمارهای رسمی و الزامات سیاستی مبتنی بر پیش‌بینی‌های آینده‌نگرانه جمعیتی»، نشریه پژوهش‌کنده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۹.

استفاده از ظرفیت سالمندان در نگهداری از کودکان در مراکز نگهداری از کودکان باشد. این رویکرد کاهش اختلافات بین‌نسلی و افزایش احساس رضایت سالمندان (افزایش حس مفید بودن و کارایی) را به دنبال خواهد داشت. از سوی دیگر با توجه به آمار بالای زنان خانه‌دار و وابستگی مالی آنها، به جهت پیشگیری از بروز چالش‌های سالمندی باید حمایت‌های بیمه‌ای از زنان را تقویت کرد.

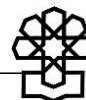
با توجه به قرار گرفتن مسائل سالمندان در حوزه سلامت و تأمین اجتماعی، بخشی از سیاست‌های متناظر با این قشر در بخش تخصصی خود تعریف می‌شود؛ اما آنچه که در زمره شبکه مسائل خانواده می‌گنجد، حمایتی است که خانواده به‌عنوان مهم‌ترین نهاد حامی اقشار سالمند باید دریافت کند. این رویکرد از این جهت مهم می‌شود که سالمندی ایران تا حد زیادی زنانه است و این زنان بیش از سایر گروه‌ها نیازمند توجه خواهند بود؛ چراکه اگر زنان فاقد حمایت‌های دوره سالمندی به‌خصوص در چارچوب خانواده باشند، از نظر مالی و عاطفی در معرض آسیب قرار خواهند گرفت.

۴-۲-۱. ناهماهنگی تکالیف اجتماعی زنان با مسئولیت‌های خانوادگی

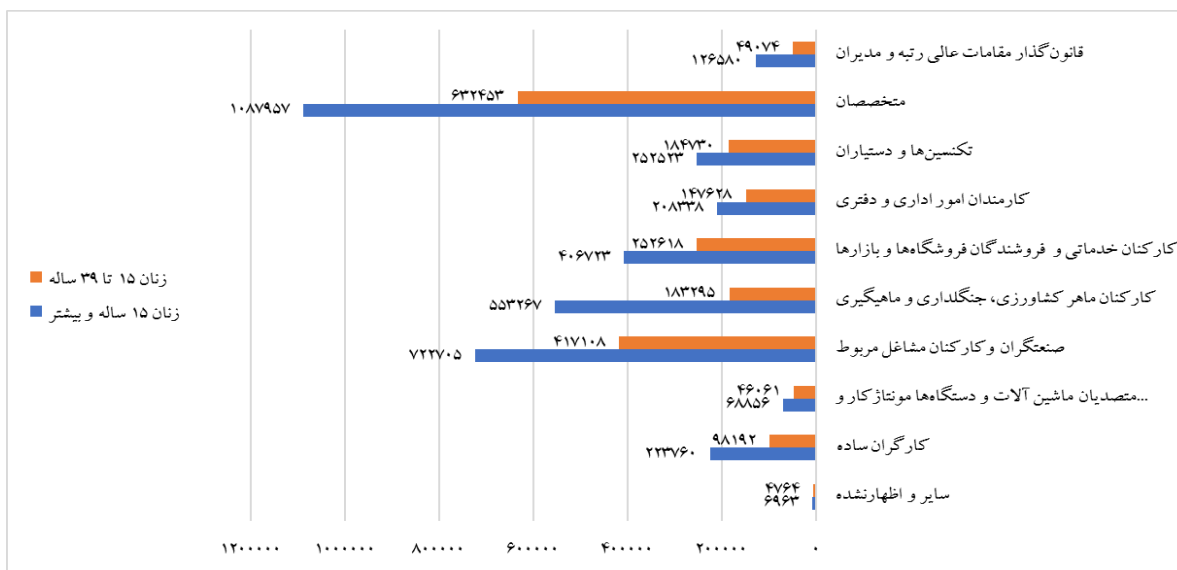
زنان همواره محور خانواده و نقطه کانونی آن محسوب می‌شوند. پیش‌ازاین در جامعه ما زنان اغلب در خانه می‌ماندند و به‌صورت اختصاصی و انحصاری به وظیفه همسری و مادری می‌پرداختند و کار و اشتغال آنها معمولاً درون خانه و در کنار همسر و فرزندان انجام می‌شد، اما امروزه، زنان جامعه ما علاوه بر نقش همسری و مادری، نقش دیگری را به‌عنوان یک فرد شاغل در بیرون از خانه و خانواده ایفا می‌کنند. هریک از این دو نقش متفاوت، اقتضات، شرایط و الزامات خاص خود را دارد که گاه با یکدیگر مانع‌الجمع‌اند. اگر برای سازگاری این دو نقش متنافی‌الاجزاء تدابیر و تمهیدات مناسبی اندیشیده نشود، بیم آن می‌رود که علاوه بر تنش‌ها و فشارهای روحی و روانی، آسیب‌های جدی هم بر کار و اشتغال و هم بر خانه و خانواده وارد آید.^۱

مطابق شکل زیر زنان شاغل در گروه‌های عمده شغلی، بیشتر در مشاغل تخصصی فعالیت دارند. این مشاغل شامل تمامی شغل‌هایی است که نیاز به تخصص دارد اعم از پزشکی، پرستاری، مامایی، معلمی، فناوری اطلاعات و رنگ نارنجی وضعیت این مشاغل را در گروه سنی ۱۵ تا ۳۹ ساله نشان می‌دهد که می‌توانند مخاطب سیاست‌های حوزه تحکیم، رشد و ثمربخشی خانواده باشند؛ چراکه این ۲ میلیون زن اغلب با مسئولیت‌های خانوادگی درگیر هستند و بین‌الگوی غالب اشتغال در جامعه و این مسئولیت‌ها تعارض وجود دارد.

۱. محمدتقی کرمی و فیروز کرمی، بررسی تعارض نقش‌های خانوادگی و اجتماعی بانوان و ارائه الگوی مناسب برای زندگی خانوادگی زنان شاغل، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، سال شانزدهم، ش ۶۴، تابستان ۱۳۹۳.



شکل ۷. زنان شاغل در گروه‌های عمده شغلی در دو گروه سنی ۱۵ تا ۳۹ ساله و ۱۵ ساله و بیشتر^۱

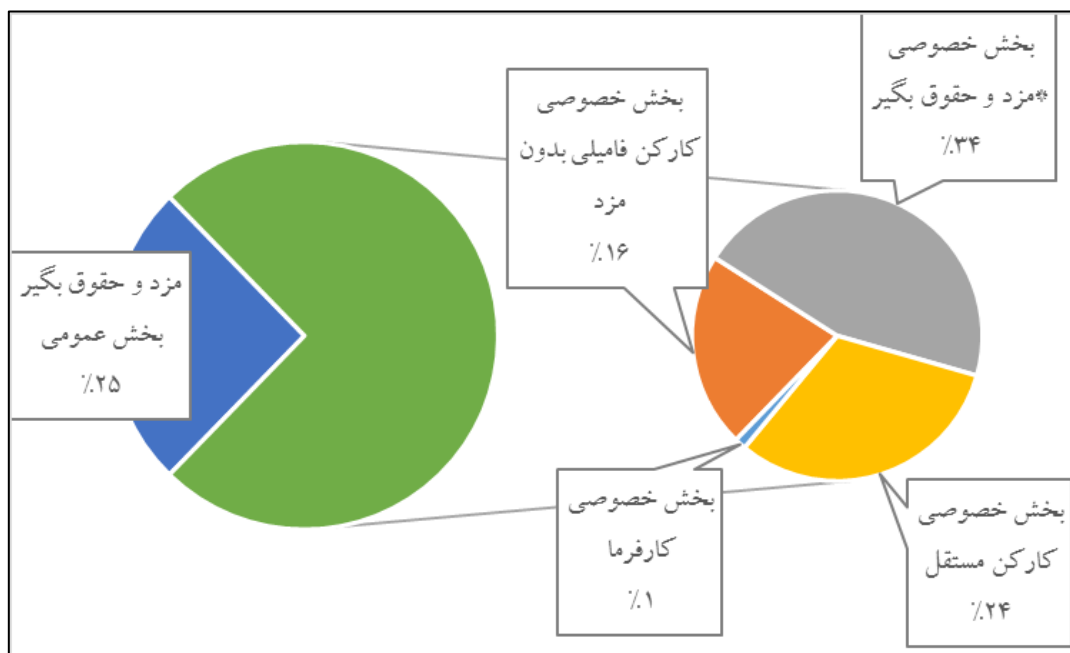


مطابق شکل بالا بیشترین گروه عمده شغلی در بین زنان ۱۵ تا ۳۹ ساله (که در معرض ازدواج، نگهداری از فرزند و ... هستند)، مربوط به متخصصان با ۳۱ درصد سهم است. این مشاغل معمولاً با تعهد خدمتی منظم به کارفرما همراه هستند که ایجاد انعطاف در آن راه مناسبی پیش روی رسیدگی به مسئولیت‌های خانوادگی زنان باز می‌کند. رتبه بعدی مربوط به مشاغل مرتبط با صنعت است که سهمی ۲۰ درصدی برای این زنان دارد. گروه کارمندان و مشاغل اداری نیز سهمی ۷ درصدی دارا هستند که در جای خود می‌توانند مخاطب سیاست‌های حمایتی باشند.

باید توجه داشت که همه این زنان نمی‌توانند مخاطب کل سیاست‌های حمایتی باشند، اما گروهی که به‌عنوان مستخدم بخش دولتی یا عمومی هستند و گروهی که در قالب فعالیت شرکتی نهادهای مختلف در بخش خصوصی استخدام شده‌اند در صورت اراده دولت می‌توانند مورد حمایت واقع شوند.

نکته دیگر اینکه براساس گزارش مرکز پژوهش‌های عالی تأمین اجتماعی، زنان ۸۰ درصد شاغلان بدون بیمه بخش صنعت و خدمات را به خود اختصاص داده‌اند. فارغ از مشکلات این گروه از افراد از قبیل نبود بیمه، درآمد محدود و پایین و گرفتن سفته و چک‌های بدون امضا توسط کارفرمایان، به‌دلیل عدم ثبت اطلاعات دقیق از این گروه از زنان امکان حمایت‌گری نیز کاهش پیدا می‌کند و چالش تعارض‌های نقشی در خصوص این افراد قابل حل نخواهد بود. به‌عبارتی آمار اشتغال رسمی زنان نمی‌تواند تصویر درستی از مشارکت اقتصادی زنان و متغیرهای وابسته به آن ارائه دهد و حجم بالای اشتغال غیررسمی در کنار اشتغال رسمی زنان اهمیت حل مسئله تعارضات نقشی را پررنگ می‌کند. لذا موضوع بازتعریف الگوهای اشتغال و انواع حمایت‌های قانونی باید در اولویت قرار گیرد.

شکل ۸. شاغلان زن ۱۵ ساله و بیشتر برحسب وضع شغلی به تفکیک گروه‌های عمده فعالیت اقتصادی^۱

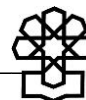


مطابق اعلام مرکز آمار ایران از بین زنان شاغل ۱۵ ساله و بیشتر، ۲۵ درصد در بخش عمومی شاغلند. از ۷۵ درصد مابقی نیز ۴۱ درصد کارکنان مستقل، کارفرما یا کارکن بدون مزد هستند که راه برای تنظیم روابط کار و مسئولیت خانوادگی برای آنان هموارتر است. از این بین ۳۴ درصد زنانی که در بخش خصوصی شاغلند و حقوق‌بگیر هستند در اولویت حمایت‌ها قرار می‌گیرند؛ چراکه انعطاف شغلی کمتری دارند.

به عبارتی می‌توان با استناد به پژوهشی که در سال ۱۳۹۲ با استفاده از روش ترکیبی کمی و کیفی^۲ در این حوزه انجام شده است اشتغال بهینه زنان را با مدیریت و بسترسازی در سه سطح ایجاد کرد. در سطح فرهنگی «رفع نگرش‌های جنسیتی، سنتی و مردم‌سالارانه در خانه و اجتماع»، در سطح فردی «مشارکت اعضای خانواده در کارهای خانگی»، «تناسب کار با علاقه فرد و تأمین‌کننده نیازهای روانشناختی او» و «تناسب کار با ویژگی‌های فیزیکی، وضعیت تأهل، زندگی خانوادگی و تحصیلات» و در سطح سازمانی با «وضع قوانین و مقررات حمایتی، انعطاف‌پذیری ساعات»، «امکان ارتقا دادن تجربه‌ها، آموزش و تخصص زنان»، «رفع تبعیض‌های جنسیتی در ارتقای شغلی» و «تطابق شغل با مهارت و توانایی‌های زنان» دارای اهمیت و اولویت می‌باشند. البته بخشی از این الزامات فرهنگی بوده و در ظرفیت برنامه هفتم توسعه قرار نمی‌گیرد. اما برخی از اقدام‌هایی که ویژگی پیشرانی داشته و خود می‌توانند زمینه‌ساز تحول فرهنگ در جامعه باشند باید مورد نظر قانونگذار قرار گیرد. به‌طور مشخص می‌توان به رویکردها و پیشنهادهای سطح سازمانی اشاره داشت.

۱. مرکز آمار ایران، طرح آمارگیری نیروی کار در سال ۱۳۹۹.

۲. مریم رفعت‌جاده، فاطمه خیرخواه، «مسائل و چالش‌های اشتغال زنان در ایران از دیدگاه شاغلان پست‌های مدیریتی»، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی، ۱۳۹۲.

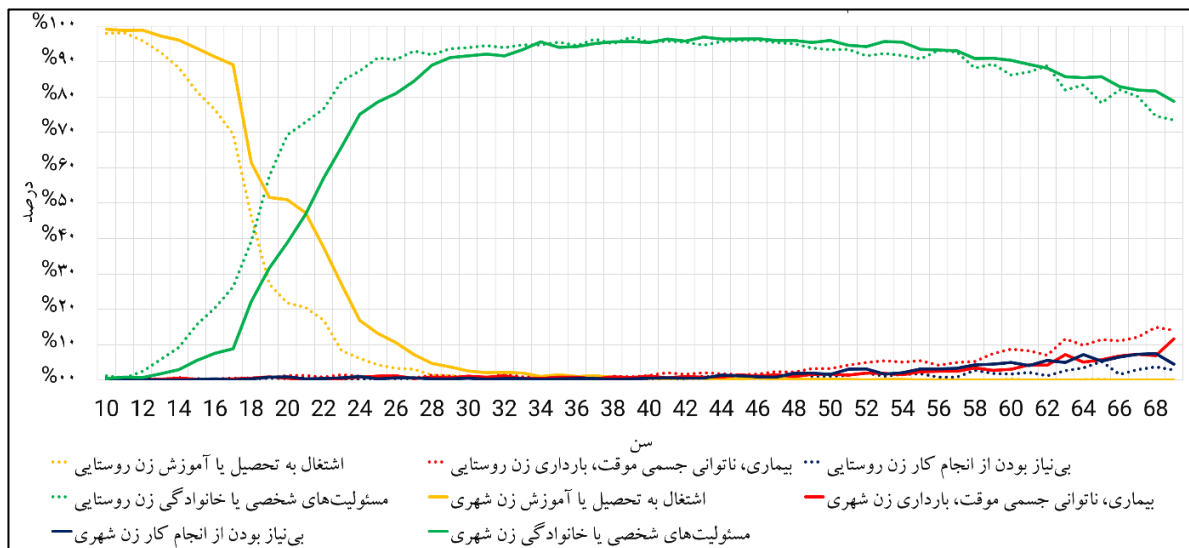


۵-۲-۱. تهدید کارکرد اجتماعی خانه‌داری زنان

زنان غیرشاغل به‌نوبه خود به حمایت‌های لازم نیاز خواهند داشت. ۱۷ میلیون زن خانه‌دار در مناطق شهری و ۵.۳ میلیون زن در مناطق روستایی کشور زندگی می‌کنند.^۱ «بخش بزرگی از جمعیت زنان ایران را زنان خانه‌دار تشکیل می‌دهند و آنها نقش مهمی در نگه‌داشت ارکان خانواده و تربیت فرزندان ایفا می‌کنند، شناسایی کیفیت زندگی آنان از اهمیت خاصی برخوردار است، چراکه محصور بودن زنان در حوزه خصوصی باعث می‌شود، بسیاری از مسائل و مشکلات آنها مورد غفلت واقع شود. مسائلی که می‌تواند روی کیفیت زندگی خانوادگی و بروز آسیب‌های اجتماعی جامعه تأثیر گذارد».^۲

زنان از سطح شادکامی و رضایت از زندگی متوسطی برخوردارند و تفاوت معناداری در میزان شادکامی و رضایت از زندگی در دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار وجود ندارد.^۳ با این حال پژوهش‌ها حکایت از نارضایتی نسبی زنان خانه‌دار نسبت به خانه‌داری خود دارند.^۴

شکل ۹. نمودار مقایسه دلایل عدم جستجوی کار در بین زنان شهری و روستایی ۱۰ تا ۶۹ ساله^۵



مطابق شکل ۹ برای عدم فعالیت اقتصادی زنان (شهری و روستایی) در سنین مختلف دو دلیل عمده وجود دارد: ۱. تحصیلات و ۲. مسئولیت‌های شخصی و خانوادگی. سهم اشتغال به تحصیل به‌مرور جای خود را به اشتغال به مسئولیت‌های شخصی و خانوادگی می‌دهد. سایر دلایل در مقایسه با این دو دلیل به‌کلی قابل اغماض هستند. در این راستا می‌توان گفت این دو مشغولیت اصلی زنان که در ۸۵ درصد کل زنان (زنان غیرفعال از نظر اقتصادی) عمومیت دارد، می‌تواند عرصه سیاست‌گذاری‌های حمایتی در راستای تحکیم نهاد خانواده با محوریت زنان قرار گیرد.

۱. همان.

۲. سهیلا صادقی فسایی و زهرا میرحسینی، مطالعه جامعه‌شناختی کیفیت زندگی زنان خانه‌دار شهر تهران، نشریه پژوهش‌های جامعه‌شناختی، ش ۲، ۱۳۹۵.

۳. فاطمه تقدیری، علی‌اکبر حقدوست، محسن مومنی و مقدمه میرزایی، کدامیک شادترند، زنان شاغل یا خانه‌دار؟ مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران، دوره ۱۶، ش ۴، ۱۳۹۹.

۴. صبورا امین‌فر، بررسی نگرش زنان جوان پیرامون منزلت نقش خانه‌داری، دین و سیاست فرهنگی، سال اول، ۱۳۹۳.

۵. مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی طرح آمارگیری نیروی کار، ۱۳۹۸.

می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که کارکردهای تربیت و جامعه‌پذیر کردن نسل نو، انتقال زبان، انتقال فرهنگ و هنجارها و ارزش‌ها جزئی از فعالیت‌ها و مسئولیت‌های خانگی زنان (شاغل و خانه‌دار) است که این کارکرد متمایز، هیچ جایگزینی در این سطح از کیفیت در نهادهای مدرن جامعه (مثلاً آموزش و پرورش) ندارد. این کارکرد مهم طبیعتاً در زنان خانه‌دار حداکثری است. با این وجود عوامل زیادی ارزش این کارکرد را کم‌رنگ کرده‌اند، به طوری که زنان ممکن است نسبت به خانه‌داری حس مثبت زیادی نداشته باشند. «با اینکه بیشتر زنان انتقادهای شدید به کار خانگی مبنی بر پایان‌ناپذیری، انزوا و تکراری بودن آن دارند، تحلیل گرایش‌های فمینیستی درباره بردگی و تحت ستم بودن زنان در خانه‌داری و استثمار از سوی مردان را قبول ندارند و حاضر به انکار و رد مسئولیت خویش نیستند. آنها بیشتر در نهایت خواهان تغییراتی به منظور بهبود وضعیت خویش هستند که شامل استقرار منبع مالی مستقل و همکاری و قدردانی سایر اعضای خانواده به‌ویژه مردان از آنهاست»^۱.

البته آمارهای موجود اقبال زنان خانه‌دار به استفاده از تسهیلات مشاغل خانگی و گرفتن مجوز نشان می‌دهد زنان خانه‌دار بر حفظ وضعیت خانه‌داری در کنار ایجاد بسترهای درآمدزایی و مشارکت اقتصادی تأکید دارند. به‌گونه‌ای که از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ بعد از گروه بیکاران، زنان خانه‌دار با آمار حدود ۳۰ درصد متقاضی دریافت مجوز مشاغل خانگی بوده‌اند.^۲ بنابراین می‌توان گفت یکی از اولویت‌های سیاستی رسیدگی به خواست عمومی زنان خانه‌دار نسبت به دریافت حمایت‌های مادی و معنوی در خصوص تقویت کارکرد خانه‌داری است.

۳-۱. زنان و خانواده‌های در معرض آسیب

۳-۱-۱. سرپرستی خانوار از سوی زنان

خانوارهای زن سرپرست که در اثر عواملی مثل فوت همسر، طلاق، اعتیاد همسر، ازکارافتادگی همسر و افزایش مجرد قطعی؛ آمار رو به افزایشی داشته‌اند در زمره اقشار آسیب‌پذیر به حساب می‌آیند. مطابق آمار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در سال ۱۳۹۹ حدود چهار میلیون و پانصد هزار نفر، زن سرپرست خانوار در کشور وجود دارد^۳ که یارانه دریافت می‌کنند. به عبارتی آمار واقعی این خانواده‌ها بیشتر از میزان اعلام شده است چراکه خانوارهای بدسرپرست و یا دختران مجرد قطعی که یارانه آنها به حساب پدر و یا مرد خانواده واریز می‌شود در این آمار محاسبه نشده‌اند اما در واقعیت زنان سرپرستی خانواده را برعهده دارند.

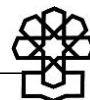
تا سال ۱۳۹۸ که شمار زنان سرپرست خانوار ۳.۵۱۷ میلیون نفر بود، این گروه اجتماعی ۱۳/۷ درصد کل خانوارها را تشکیل می‌دادند از این تعداد ۱.۴۶۱ میلیون نفر خودسرپرست (خانوار تک‌نفره) بودند و سهمی ۴۱/۵ درصدی از کل زنان سرپرست خانوار را شامل می‌شدند. به علاوه ۷۷ درصد خانوارهای تک‌نفره، زنان‌اند. ۲.۵۸۷ میلیون زن سرپرست در مناطق شهری و ۹۳۰ هزار نفر (۲۶/۴ درصد) در مناطق روستایی کشور حضور دارند.^۴ با توجه به روند رو به رشد

۱. اعظم بدری‌منش و سهیلا صادقی فسایی، مطالعه تفسیری نقش خانه‌داری، فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده (فرهنگی - دفاعی زنان و خانواده سابق) سال دهم، ش ۳۱، ۱۳۹۴.

۲. دبیرخانه ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی، ۱۳۹۸.

۳. اطلس رفاه ایرانیان، ۱۴۰۰.

۴. سهیلا اخباری و ثریا گودرزی، بررسی آماری ویژگی‌های اجتماعی- اقتصادی زنان سرپرست خانوار و خودسرپرست، مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اردیبهشت ۱۴۰۰.



آمار زنان سرپرست خانوار و می‌توان گفت درصد بالاتری از خانوارهای کشور را شامل می‌شوند چراکه براساس گزارش رسمی مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، تعداد خانوارهای دارای سرپرست مرد طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸، حدود ۲۰/۶ درصد رشد و تعداد خانوارهای دارای سرپرست زن، رشد ۲۶/۸ درصد داشته‌اند. این قشر با مشکلات و مسائل عدیده اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی از قبیل بازادواج، مسکن، نبود مهارت‌های تأمین معاش و ... روبه‌رو هستند و با توجه به اینکه یکی از بزرگ‌ترین گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه را تشکیل می‌دهند و برخی از این زنان دارای فرزندان تحت تکفل نیز هستند، برنامه‌ریزی در راستای رفع مسائل این گروه در سه مقطع کنترل آماری این قشر (که شامل بررسی و کنترل عوامل رشد این خانوارها از قبیل طلاق و عدم ازدواج است)، افزایش کیفیت زندگی این قشر و کاهش آماری (به معنی پایان شرایط آسیب‌پذیری) باید در اولویت برنامه‌ریزی قرار داشته باشد.

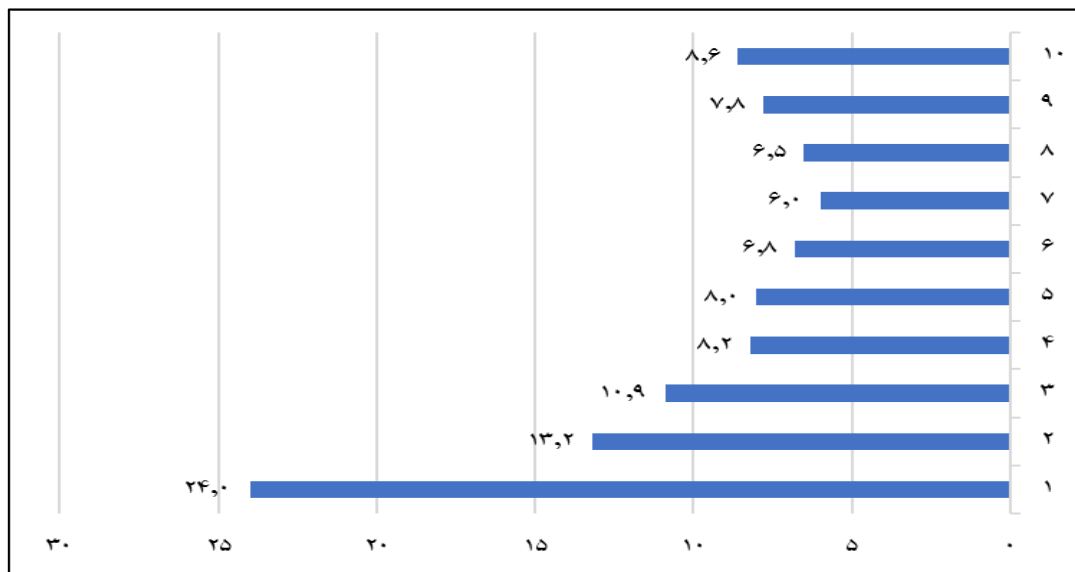
یکی از معضلات جدی مسئله زنان سرپرست خانوار، فقر مالی است. مطابق شکل زیر یک‌چهارم این زنان جزو دهک درآمدی نخست و ۶۴ درصد جزء ۵ دهک نخست هستند. با این وجود نمی‌توان با رویکردهای جاری توانمندسازی (مهارت‌آموزی و اشتغال)، مشکل درآمد آنان را حل کرد؛ زیرا «۸۷/۵ درصد این زنان از نظر اقتصادی غیرفعال هستند و تنها ۱۲/۵ درصد فعالند»^۱ درواقع زنان سرپرست خانوار جویای کار نیستند و نرخ بیکاری در آنان فقط ۰/۶ درصد است و ۱۱/۹ درصد نیز شاغلند.

نگرانی از پیوستن جمعی از زنان به گروه «فقیرترین فقرا» سبب طرح رویکردهای متفاوتی از جمله «توانمندسازی زنان» شده است. تحقق فرایند توانمندسازی برای زنان فقیر نیازمند تحول در همه نهادهایی است که امکان توانمندسازی زنان در طول دوره زندگی را نداشته‌اند و در معرض خطر فقر، نه تنها فقر درآمدی، قرار داده است.^۲ به عبارتی این گروه از افراد در مسیر زندگی و در مواجهه با نهادهای مختلف توانایی لازم را کسب نکرده‌اند و با توجه به اینکه بخش بسیاری از آنها در بازه سنی قرار دارند که امکان توانمندسازی وجود ندارد باید راهبردهای دیگری در راستای حمایت از این گروه طراحی شود.

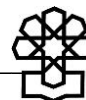
۱. همان.

۲. زاله شادی‌طلب، معصومه وهابی و حسن ورمزیار، فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار، نشریه رفاه اجتماعی، ش ۱۷، ۱۳۸۴.

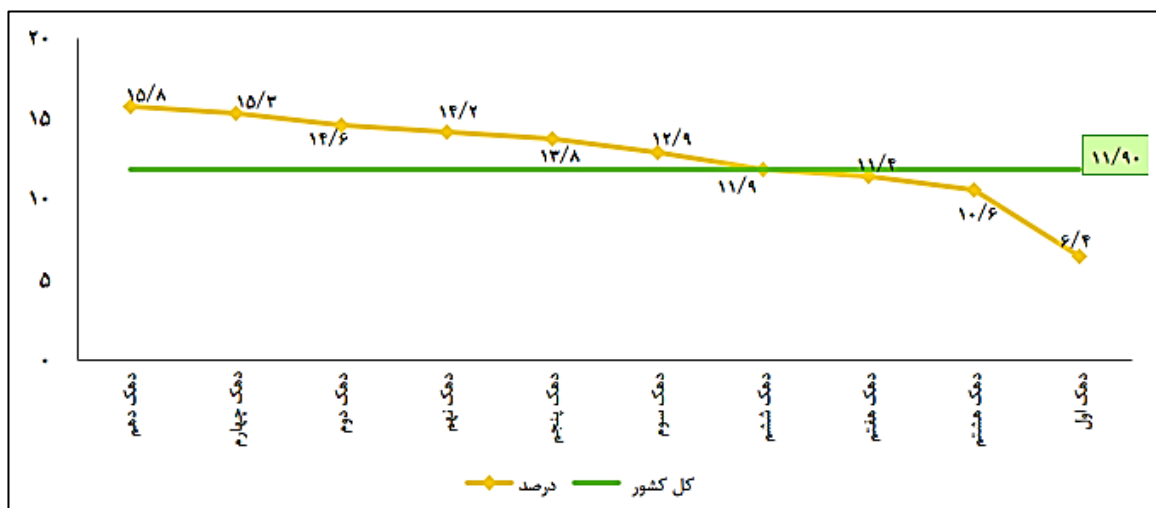
شکل ۱۰. دهک درآمدی زنان سرپرست خانوار و زن خودسرپرست در سال ۱۳۹۸



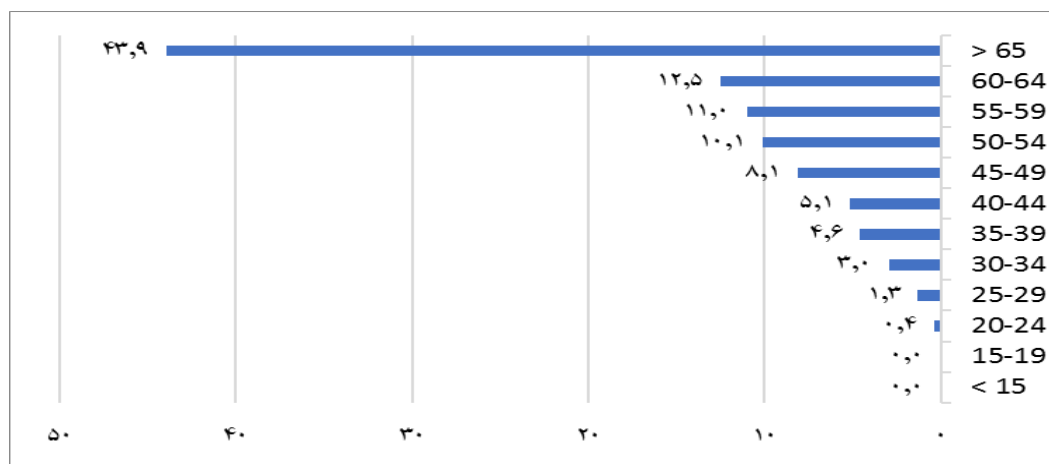
مطابق شکل زیر، مسئله فقر این زنان صرفاً به داشتن یا نداشتن شغل نیست چراکه هم در دهک درآمدی بالا و هم دهک‌های پایین، اشتغال معمول نیست به‌گونه‌ای که در دهک اول که نیاز مالی بیشتری وجود دارد و آمار زنان سرپرست خانوار این دهک نیز مطابق نمودار بالا بیشتر است، نرخ اشتغال زنان پایین‌تر است و در دهک دهم بالاترین نرخ اشتغال این قشر ثبت شده است. بررسی اشتغال زنان سرپرست خانوار دو مسئله میزان توانمندی زنان در حضور اجتماعی-اقتصادی و میزان دسترسی به شغل را بسیار پررنگ می‌کند. به‌عبارتی در دهک‌های پایین‌تر که نیاز مالی بیشتری دارند به‌دلیل عدم توانمندی‌های اجتماعی و عدم دسترسی به شغل، آمار اشتغال پایین‌تر است. البته در این میان باید به این نکته نیز توجه داشت که بسیاری از فعالیت‌هایی که از سوی این زنان با هدف رفع نیاز مالی صورت می‌گیرد در آمار رسمی اشتغال ثبت نمی‌شود.



شکل ۱۱. نرخ اشتغال کل و دهک‌های درآمدی زنان سرپرست خانوار در سال ۱۳۹۸



«گرچه فقر زنان سرپرست خانوار در شهر روند نزولی داشته، اما زنان بی‌سواد و کم‌سواد در مناطق شهری به‌شدت در معرض فقر قرار داشته‌اند. زنان سرپرست خانوار به‌دلیل بی‌سوادی، داشتن خانوارهای کوچک و تعداد شاغلان کمتر در خانوار جزو فقیرترین فقرا هستند»^۲. در ۷۵/۲ درصد این قشر نیز همسر فرد فوت شده است. ۱۰/۸ درصد طلاق گرفته‌اند و ۳/۹ درصد هرگز ازدواج نکرده‌اند.

شکل ۱۲. توزیع سهم درصد گروه سنی زنان سرپرست خانوار^۳

شکل فوق نشان می‌دهد عامل سن نیز در فقر این زنان مؤثر است به‌طوری‌که ۵۶ درصد آنان، بالاتر از سن فعالیت اقتصادی (بالاتر از ۶۰ ساله) هستند. در نتیجه الزاماً توانمندسازی نمی‌تواند تنها راه‌حل مهار فقر این قشر باشد و باید سیاست و برنامه‌ریزی در مورد حل چالش‌های این قشر را با بررسی متغیرهای زمینه‌ای متمایزکننده آنها تدوین نمود.

۱. همان.

۲. علی‌رضا، گرابی‌نژاد و ژاله شادی‌طلب، فقر زنان سرپرست خانوار، نشریه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ش ۸، ۱۳۸۳.
 ۳. سهیلا اخباری و نریا گودرزی، بررسی آماری ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی زنان سرپرست خانوار و خودسرپرست، مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اردیبهشت ۱۴۰۰.

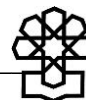
برای مثال زنان سرپرست خانوار در سنین بالاتر یکی از اقشار دارای شرایط دریافت کمک مستقیم مالی از جانب دولت هستند و توانمندسازی نمی‌تواند حل‌کننده مسائل آنها باشد.

در بررسی که کمیته امداد امام خمینی (ره) در سال ۱۴۰۱ انجام داده است^۱ فهرستی از مسائل اولویت‌دار زنان سرپرست خانوار را با استفاده از پژوهش‌های انجام گرفته در این حوزه احصای و درجه اهمیت آنها را با دریافت نظرات مشاوران امور بانوان ادارات کل خود در استان‌ها که ارتباط مستقیم با مسائل زنان سرپرست خانوار دارند تعیین کرده است. در این بررسی ۲۹ مسئله اصلی این گروه اجتماعی با اولویت‌های متفاوت احصا شدند که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

جدول ۷. مسئله‌شناسی زنان سرپرست خانوار

ردیف	مسئله	درجه اهمیت		
		خیلی مهم	مهم	غیرمهم
۱	تأمین مسکن	۱۰۰		
۲	عدم بهره‌مندی از خدمات مداخله مددکاری در حل مسئله	۸۳/۷	۱۶/۲	
۳	عدم بهره‌مندی از تسهیلات اشتغال به‌دلیل ناتوانایی در تأمین ضامن و ضمانت	۸۰/۶	۱۹/۳	
۴	طلاق در جامعه مددجویی	۷۷/۴	۱۹/۳	۳/۲
۵	سلامت روحی و روانی	۷۴/۵	۲۵/۸	
۶	عدم پایش اختلالات و بیماری‌های جسمی و روانی	۶۴/۵	۳۵/۴	
۷	عدم برخورداری از امنیت شغلی	۶۴/۵	۳۲/۲	۳/۲
۸	تربیت فرزند	۶۴/۵	۳۲/۲	۳/۲
۹	عدم توسعه توانمندی‌های بانوان در زمینه مشاغل نوآورانه، تعاونی‌ها و ...	۶۴/۵	۲۹	۶/۴
۱۰	ناآشنایی با سبک زندگی سالم و اسلامی	۶۱/۲	۳۸/۸	
۱۱	بالا بودن تعداد دختران در سنین مجرد قطعی	۶۱/۲	۳۸/۸	
۱۲	دریافت مستمری ناکافی	۶۱/۲	۲۹	۹/۶
۱۳	آسیب خانوار بدسرپرست زندانی	۵۸	۴۱/۹	
۱۴	عدم هدایت و حمایت لازم و هدفمند در خصوص ایجاد و توسعه مشاغل خانگی برای زنان سرپرست خانوار	۵۸	۳۸/۷	۳/۲
۱۵	ازدواج مجدد زنان	۵۸	۳۸/۷	۳/۲
۱۶	نامتناسب بودن مسکن‌های استیجاری	۵۴/۸	۴۵/۲	
۱۷	معوقات اجاره مسکن	۵۴/۸	۴۵/۲	
۱۸	عدم تفکیک زنان سرپرست خانوار	۵۴/۸	۳۸/۷	۶/۴
۱۹	نواقص و خلأهای قانونی حمایت از زنان سرپرست خانوار	۵۴/۸	۳۵/۴	۹/۶
۲۰	ناآگاه‌سازی و حمایت از زنان در بهره‌مندی از حقوق فردی و خانوادگی و دریافت خدمات از مراجع ذی‌ربط	۵۴/۸	۳۵/۴	۶/۴
۲۱	عدم پوشش کامل بیمه اجتماعی زنان سرپرست خانوار و دختران در کرانه ازدواج (مجرد بالای ۳۵ سال)	۵۱/۶	۳۸/۷	۹/۶
۲۲	عدم آموزش و توسعه مهارت‌های شغلی بانوان و دختران تحت حمایت	۵۱/۶	۳۸/۷	۹/۶
۲۳	عدم خودباوری	۵۱/۶	۳۵/۴	۲/۹
۲۴	فرایندهای بوروکراسی متعدد در دریافت خدمات	۵۱/۶	۳۵/۴	۲/۹
۲۵	عدم برخورداری از آموزش جامع و کافی و باکیفیت و متناسب با شرایط سنی و تحصیلی زنان سرپرست خانوار	۴۸/۳	۴۸/۳	۳/۲
۲۶	توزیع نامتناسب مبالغ واریزی طرح اکرام ایتمام و محسنین	۴۸/۳	۴۵/۱	۳/۲
۲۷	مبادرت به مشاغل سخت، کاذب و مستهملک‌کننده	۴۱/۹	۴۵/۱	۲/۹
۲۸	عدم برخورداری از آموزش‌های مورد نیاز مهارت‌های زندگی، شغلی و تحصیلی	۳۸/۷	۴۱/۹	۳/۲
۲۹	طرد اجتماعی (چالش‌های بیوه‌گی)	۲۹	۵۴/۸	۶/۲

۱. گزارش ارسال شده از کمیته امداد امام خمینی در پاسخ به نامه مرکز پژوهش‌های مجلس با شماره نامه ۱/۷۴۳۰۵۴، مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۳۰.



گفتنی است با توجه به اینکه شبکه مسائل بالا براساس نیازها و مسائل این گروه اولویت‌بندی شده است و حدود یک میلیون و دویست هزار نفر از مجموع آمار زنان سرپرست خانوار کل کشور تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) هستند، می‌توان گفت اولویت حدود ۲۷ درصد از جامعه آماری کل را تشکیل می‌دهد که به نوعی قابل تعمیم به جامعه کل است.

بنابراین با توجه به جمع بررسی‌های صورت گرفته این نتیجه حاصل می‌شود که تأمین مسکن، داشتن مهارت‌های حل مسئله و موانع دریافت تسهیلات اشتغال از قبیل ضامن سه مسئله اولویت‌دار این گروه از زنان سرپرست خانوار است.

۲-۳-۱. تهدید سبک زندگی خانواده‌های روستایی و عشایر

جمعیت ۱۰۱۱۵ میلیون نفری عشایر ایران ۱/۴ درصد از کل جمعیت را دربرمی‌گیرد. یک‌سوم دام سبک کشور در اختیار عشایر است.^۱ بنا به وضعیت خاص زندگی عشایر، این جمعیت بین مناطق بیلاقی و قشلاقی کشور در طول سال جابه‌جایی دارد. نکته حائز اهمیت آنست که سبک زندگی عشایر را تهدید می‌کند فقدان توازن در سیاست‌های مختلف حمایت از زنان و خانواده با این نوع زندگی است. درواقع اغلب نهادها و ساختارهای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشور با فرض یکجانشینی و دسترسی نسبی جمعیت مخاطب ترسیم می‌شوند و در این بین استثناهایی برای ارائه خدمت به عشایر به برخی نهادهای متولی سپرده می‌شود.

درواقع خانوارهای عشایر در دریافت ابتدایی‌ترین خدمات آموزشی، بهداشتی، اقتصادی و فرهنگی، به نسبت سایر شهروندان ایرانی در مضیقه هستند. از اهم این موارد می‌توان به عدم در نظر گرفتن سبک زندگی عشایر در تدوین آیین‌نامه‌های ارائه تسهیلات بانکی، ارائه خدمات کمک آموزشی، ارائه خدمات فرهنگی، ارتباطات، حمل‌ونقل عمومی، خرید و فروش و سلامت (به‌خصوص برای زنان و دختران) اشاره کرد. ویژگی مشترک همه این ابعاد خدمتی سیاستی، صعوبت دسترسی فیزیکی عشایر به این امکانات و خدمات و همچنین فقدان در نظر گرفتن شرایط و ابزارهای در دسترس این قشر برای بهره‌مندی از هر خدمتی است.

با توجه به نیاز غیرقابل جایگزینی کشور به خدمات عشایر، به یک بازنگری در طراحی حقوق شهروندی این اقشار وجود دارد که شرایط سخت اقتصادی، غلبه نیاز به حمایت اقتصادی از آنان را برجسته می‌سازد.

براساس گزارش ارسالی از سازمان جهاد کشاورزی، زنان روستایی و عشایری نزدیک به ۱۰ میلیون نفر جمعیت دارند که حدود ۶ میلیون نفر آنها در سنین هجده سال به بالا قرار دارند. نکته قابل ملاحظه سطح تحصیلات بالای زنان در روستاها و جمعیت عشایر است. به گونه‌ای که حدود ۷۳ درصد از زنان روستایی باسواد هستند و تفاوت جمعیت دانشجویان زن از مرد در مناطق روستایی و عشایری تنها ۷ درصد است. البته در مورد تحصیل دختران و زنان عشایر همچنان موانعی وجود دارد. به عبارتی با وجود اینکه از سال ۱۳۶۵ تا امروز میزان باسوادی زنان عشایر از ۱۴ درصد به بالای ۷۰ درصد رسیده است اما ترک تحصیل اجباری دختران بعد از دوره ابتدایی به دلیل نداشتن مدارس متوسطه و مشکلات مالی در مناطق عشایری و روستایی، فرصت اتمام دوره متوسطه دوم و اخذ مدرک دیپلم را کاهش داده است.^۲

لذا مشکلاتی از قبیل دسترسی صعب به خدمات آموزشی و بهداشتی، عدم امکان بهره‌برداری از تسهیلات دولتی و اشتغال پایدار و ... موضوع مهاجرت از روستا به شهر و یکجانشینی عشایر تقویت می‌شود. در سال‌های اخیر به دلیل مهاجرت فزاینده از

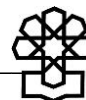
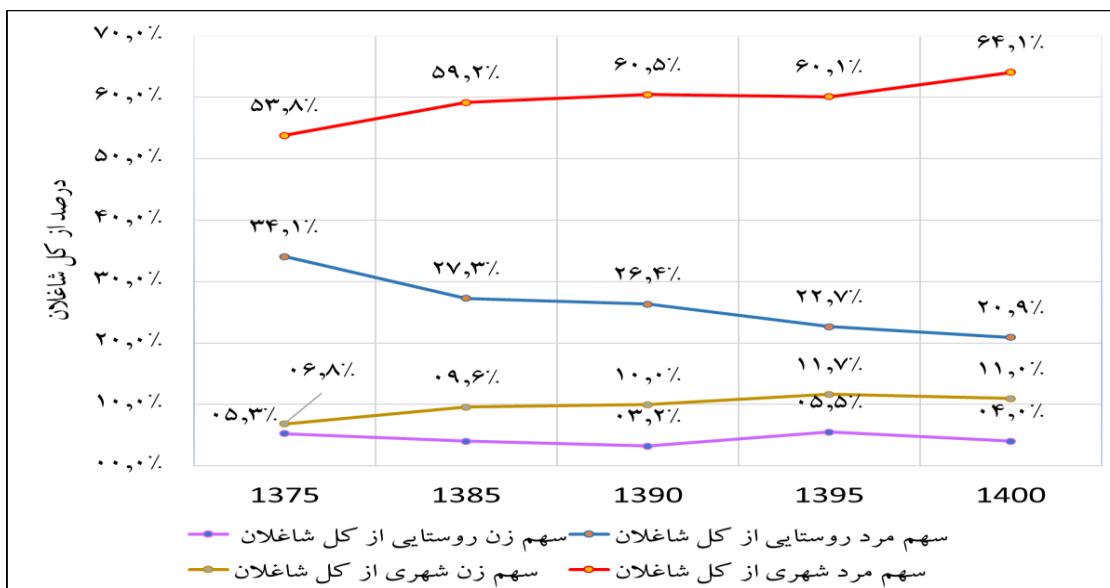
۱. مرکز آمار ایران، خلاصه نتایج ثبت پایه جمعیت عشایر کوچنده کشور، ۱۳۹۹.

۲. پاسخ نامه سازمان امور عشایر ایران به شماره ۱۲۰/۱۰۹۱۰ مورخ ۱۴۰۱/۶/۲۹.

روستا به شهر به‌ویژه مهاجرت مردان و جوانان، نقش زنان در این عرصه افزایش یافته است. مهاجرت از روستا به شهر در مراحل اول عمدتاً به‌صورت فردی انجام می‌شود و بیشتر، مردان در این مرحله در پی تحصیل و کسب‌وکار محل زندگی خود را ترک می‌کنند. زنان معمولاً آخرین افرادی هستند که از زادگاه خود جدا می‌شوند. وقتی زنان اقدام به ترک موطن کنند، مهاجرت از روستا به‌معنای واقعی آن اتفاق می‌افتد رویداد تلخی که به‌تدریج به خالی از سکنه شدن روستاها منجر می‌شود. به‌عبارتی می‌توان گفت یکی از چالش‌های عمده مهاجرت از روستا به شهر و تمایل به یکجا نشینی عشایر است و نکته مهم نقش پررنگ زنان در این تغییر سبک زندگی است. چالش مهم دیگر خروج مردان جوان از روستاها و عدم بازگشت آنها کاهش نرخ ازدواج در روستاها و زنانه شدن چهره روستاهاست و در سال‌های اخیر باعث افزایش تعداد دختران مجرد و خودسرپرست شده است. لذا برنامه‌ریزی‌ها باید در راستای ارتقای سطح زندگی روستاییان و عشایر، افزایش تاب‌آوری آن و کاهش مهاجرت از روستا به شهر و تمایل به یکجانشینی عشایر تنظیم شود.^۱

برای ترسیم وضعیت تغییر و تهدید سبک زندگی روستایی، مطالعه روند تغییرات شغل کمک می‌کند. مشاغل روستاییان به‌رغم برخی اشتراکات با جامعه شهری، نوعی از شغل مبتنی بر تولید و خوداتکایی است. بررسی روند سهم شاغلان زن و مرد شهری و روستایی نشان می‌دهد سهم شاغلان مرد روستایی از کل شاغلان طی ۲۵ سال، ۱۵ درصد کاهش یافته و این سهم به شاغلان مرد و زن شهری منتقل شده است.

مطابق نمودار ذیل، سهم زنان شاغل روستایی نیز از کل شاغلان تقریباً ثابت بوده و حدود ۱ درصد کاهش پیدا کرده، این در حالی است که جمعیت روستایی در همین ۲۵ سال با کاهشی تقریباً ۵۰ درصدی از ۳۸ به ۲۰ درصد کل جمعیت رسیده است. این تغییر در کنار هم حکایت از افزایش الگوی اشتغال در بین زنان ساکن روستاست. یک علت این رویداد، رهاشدن مشاغل روستایی از سوی مردان و مهاجرت به شهر است که باعث شده زنان به‌عنوان جایگزین تا حدی این نقش را برعهده گیرند.

شکل ۱۳. سهم زنان و مردان شاغل از کل شاغلان به تفکیک شهری و روستایی^۱

باید توجه داشت که مشاغل خوداتکا و تولیدی روستایی در سیاق سابق قابل جایگزینی نیست؛ مثلاً اگر تولیدکننده جارو در زندگی روستایی شغل خود را تغییر دهد، این شغل از سوی نظام مهارت‌آموزی فعلی قابل احیا نبوده و تغییر شغل به معنی نابودی یک بنگاه سنتی و خرد تولیدگر است که از نظر فرهنگی و اقتصادی تبعات خاص خود را دارد. سیاستی که می‌تواند مانع این روند تغییر زیان‌بار سبک زندگی شود، حمایت‌های متناسب با سبک زندگی سنتی و رسمیت‌یافتن آن با شبکه بانکی برای ارائه تسهیلات و سرمایه لازم است.

بررسی رشته‌های آموزشی دوره‌های کار و دانش کشور^۲ در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹، که شامل ۱۶۲ رشته آموزشی است نشان می‌دهد، رشته‌های «خیاطی لباس زنانه» و «لباس شب و عروس» به ترتیب با ۲۳۶ و ۲۰۹ دوره در اولویت اول و دوم، «تولید محتوا و انیمیشن»، «مدیریت برنامه‌ریزی و امور خانواده»، «تولید و توسعه‌دهنده پایگاه‌های اینترنتی»، «تصویرسازی و جلوه‌های ویژه رایانه‌ای»، «گرافیک رایانه»، «تولید محتوای آموزشی الکترونیکی»، «کشت گیاهان دارویی و زعفران» و «تصویرسازی دیجیتال» به ترتیب با ۱۲۱، ۱۰۶، ۹۵، ۹۲، ۸۰، ۵۷، ۴۶ و ۴۲ دوره در اولویت‌های سوم تا دهم انتخاب قرار داشته‌اند. به عبارتی در میان ده دوره اول ۶ مورد (۶۰ درصد) مربوط به کاربری‌های مجازی و رسانه مجازی است و ارتباطی با زیست‌بوم روستا ندارد. دو دوره اول مربوط به گرایش‌های جنسیتی است و تنها یک دوره مبتنی بر ظرفیت‌های محیط است. بررسی استقبال کارآموزان دختر از دوره‌های برگزار شده نشان می‌دهد «خیاطی لباس شب و عروس» و «خیاطی لباس زنانه» با ۳۴۲۳ و ۳۲۷۱ کارآموز شرکت‌کننده در اولویت اول و دوم انتخاب افراد بوده‌اند. «حسابداری مالی»، «تولید محتوا و انیمیشن»، «مدیریت برنامه‌ریزی و امور خانواده»، «تصویرسازی و جلوه‌های ویژه رایانه‌ای»، «تولید و توسعه‌دهنده پایگاه‌های اینترنتی»، «گرافیک رایانه‌ای»، «تولید محتوای آموزشی الکترونیکی» و «خیاطی دوخت‌های تزئینی» در اولویت‌های سوم تا دهم انتخاب دختران قرار داشته‌اند. انطباق دوره‌ها

۱. مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ و نتایج طرح آمارگیری نیروی کار ۱۴۰۰.
 ۲. سالنامه آماری ۱۳۹۹-۱۴۰۰ وزارت آموزش و پرورش، مرکز برنامه‌ریزی منابع انسانی و امور اداری.

و انتخاب افراد نشان می‌دهد با وجود در اولویت نبودن دوره‌های حسابداری، اقبال چشمگیری به حسابداری مالی در میان دختران وجود داشته است و البته آموزش‌های مبتنی بر تولیدات رسانه‌ای نیز مورد اقبال بوده است. بررسی آمار دانش‌آموزان دوره فنی و حرفه‌ای کشور در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ نشان می‌دهد که بیشترین اقبال دختران روستایی به «شبکه و نرم‌افزار رایانه» بوده و «حسابداری» در اولویت دوم قرار داشته است. به عبارتی در مجموع می‌توان گفت دوره‌های کارودانش و فنی و حرفه‌ای که با هدف مهارت‌آموزی با هدف اشتغال و کسب درآمد برگزار می‌شوند منطبق بر زیست‌بوم و پیشران‌های محیطی نبوده‌اند و با توجه به نیاز افراد کارآموز به بازار کار غیرهمسان با محیط، در آینده نه‌چندان دور، احتمال مهاجرت از روستا به شهر را افزایش می‌دهد. علاوه بر مسائل و اولویت‌های ذکر شده موضوع‌های دیگری از قبیل تغییر واحد ارائه خدمات و حمایت، از فرد به خانواده که به‌طور مشخص در مورد نظام مالیاتی خانواده‌محور و پلکانی می‌تواند ظهور و بروز داشته باشد و حمایت از تولیدکنندگان پوشاک ایرانی- اسلامی می‌توان اشاره داشت که با توجه به بار مالی قابل توجه راهبردهای ناظر به حل این مسائل، بررسی کارشناسی دقیق‌تر پیش‌نیاز هرگونه پیشنهاد معطوف به برنامه توسعه هفتم است.

پیشنهاد‌های دستگاه‌های اجرایی در حوزه زنان خانواده

یکی دیگر از منابع بررسی مسائل حوزه زنان و خانواده احصای مسائل ازسوی دستگاه‌های اجرایی است. در راستای بهره‌مندی از تجربه و دریافت نقطه‌نظرات مدیران و مشاوران امور زنان و خانواده دستگاه‌های اجرایی، دو نشست هم‌اندیشی تخصصی، با موضوع مسائل زنان و خانواده از زاویه دید دستگاه اجرایی و دریافت رویکرد پیشنهادی به‌منظور حل مسئله با حضور نمایندگان دستگاه‌های اجرایی برگزار شد.

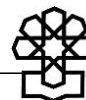
علاوه بر آن نظرات، از دستگاه‌های مذکور خواسته شد^۱ پیشنهادهای خود را به‌صورت مکتوب برای مرکز پژوهش‌های مجلس ارسال کنند.

مشاوران و مدیران دفاتر امور بانوان و خانواده دستگاه‌های اجرایی در جلسات حضوری علاوه بر مرور مسائل کلان این حوزه مثل افزایش سن ازدواج، گسترش طلاق و کاهش نرخ باروری به مسائل و رویکردهای حل مسئله ذیل نیز اشاره داشتند:

مسائل حکمرانی حوزه زنان و خانواده

- ناهماهنگی بین اهداف کلی و اصلی در امور زنان و خانواده؛
- فقدان تعریف دقیق از شاخص‌های پیشرفت زنان و ارزیابی آنها؛
- چالش دیپلماسی عمومی در ارتباطات بین‌بخشی زنان کشورهای اسلامی و رویکرد وحدت رویه و تولی‌گری؛

۱. براساس نامه شماره ۲۱۵۰/۱۶۲۰۰-۸۲ مورخ ۱۴۰۱/۲/۸ از مشاوران امور بانوان و خانواده دستگاه‌های اجرایی خواسته شد تا پیشنهادهای راهبردی خود را در حوزه زنان و خانواده به جهت تکمیل نظام مسائل برنامه هفتم توسعه ارسال کنند. در این راستا، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به شماره نامه ۲۳۱۵/۱۴۰۶۷، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به شماره نامه ۲۰۱۴۰۱/۱۸۹۲، وزارت کشور به شماره نامه ۵۹۲۵۸، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور به شماره نامه ۱۱۰/د/۲۷۴۴، کمیته امداد امام خمینی به شماره نامه ۱/۷۴۳۰۵۴، وزارت امور اقتصاد و دارایی به شماره نامه ۴۱۱۴، وزارت دادگستری به شماره نامه ۹۶۰۶، وزارت نیرو به شماره نامه ۱۴۰۱/۲۱۱۳۳/۱۱۵، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی به شماره نامه ۱۴۰۰۲/۲۸۴۲۸، وزارت ورزش و جوانان به شماره نامه ۱۴۰۰/۴۴۲۸/ص و سازمان محیط زیست به شماره نامه ۱۴۰۱/۱۱۳/۱۲۷۳۹ نظام مسائل پیشنهادی خود را برای مرکز پژوهش‌های مجلس ارسال کردند.



- ضمانت‌های اجرایی قوانین موضوع زنان و خانواده و رویکرد پیش‌بینی ضمانت اجرا در قانون‌نویسی.

مسائل اقشار زنان

- تقلیل مسائل زنان صرفاً به اقشار آسیب‌پذیر و محروم؛
- فقدان فرهنگ ورزش بانوان در سطح عمومی و همگانی و رویکرد حمایت از ورزش قهرمانی در ایجاد این فرهنگ؛
- فقدان حمایت کافی از ورزشکاران زن از حیث حقوق و مزایا؛
- تاب‌آوری نامناسب خانواده و رویکرد آموزش تاب‌آوری اجتماعی به آنان؛
- انحراف منابع توانمندسازی زنان روستایی در مسیر تخصیص؛
- فقدان هماهنگی نهادهای حمایتی حکومتی با دستگاه‌های اجرایی دارای مأموریت قانونی در حوزه‌های مأموریتی به‌خصوص کشاورزی در سطح استان‌ها و رویکرد تعریف نقش کنشگر همیار دولت برای این نهادها؛
- فقدان حمایت قانونی لازم از صندوق اعتبارات خرد برای استفاده از سوی زنان روستایی؛
- متناسب نبودن ضمانت بانکی با سبک زندگی عشایری در ارائه تسهیلات و رویکرد هماهنگ‌سازی فهرست ضمانت‌ها با ظرفیت در دسترس زیست عشایری؛
- فقدان دسترسی به خدمات بهداشتی تخصصی و موازی‌کاری در رسیدگی به زنان روستایی و عشایری و تکثر دستگاه‌های متولی و دریافت‌کننده منابع بودجه‌ای و رویکرد وحدت رویه و تولی‌گری؛
- حاشیه‌نشینی خانواده‌های عشایری در مناطق روستایی و شهری؛
- موازی‌کاری و تکثر نهادهای رسیدگی‌کننده به مسائل زنان سرپرست خانوار و رویکرد وحدت رویه و تولی‌گری.

مسائل حوزه مشارکت اقتصادی- اجتماعی زنان

- فقدان تعریف شاخص‌های رتبه‌بندی زنان شاغل به‌منظور شفافیت بهره‌گیری از آنان در مناصب مدیریتی؛
- فاصله زنان از جایگاه مناسب در فرهنگ سازمانی و رویکرد توانمندسازی زنان شاغل؛
- فقدان حمایت کافی از زنان کارآفرین و فعال در حوزه شرکت‌های دانش‌بنیان.

مسائل حوزه ازدواج و فرزندآوری

- چالش‌های قوانین نظام وظیفه عمومی در نسبت با فرایندهای مهم خانواده؛
- فقدان امکان نظارت اصولی بر عملکرد بانک مرکزی در موضوع تسهیلات زنان و خانواده؛
- کاهش حجم سرمایه‌گذاری برای ایجاد اشتغال به‌خصوص برای جوانان و رویکرد جذب سرمایه خارجی؛
- فقدان طراحی بسته‌های سیاستی حمایت از مادران شاغل جهت تسهیل فرزندآوری و رویکرد توسعه مهدکودک استاندارد؛
- فقدان تطابق انتظارات از زنان در مسائلی نظیر باروری با حمایت از بسترهای لازم برای تحقق آن؛
- اهتمام ناکافی به اهمیت حوزه مهارت‌افزایی در توانمندسازی جوانان و زنان و رویکرد تخصیص بودجه مهارت‌آموزی همسنگ آموزش و پرورش؛
- نظارت نابسامان در تدوین ردیف‌های بودجه و انحراف منابع به‌خصوص در حوزه مهارت‌افزایی و آموزش فنی و حرفه‌ای به سوی نهادهای غیرمتخصص.

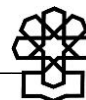
نتیجه‌گیری

برنامه‌های توسعه، فرصت مناسبی جهت بازاندیشی، اصلاح و تحول در راهبردها و برنامه‌های عملیاتی در حوزه‌های مختلف است. به عبارتی با توجه به سیاست‌های کلان موجود در هر حوزه و مبتنی بر وضعیت موجود جامعه در حوزه مورد نظر بررسی راهبردها و برنامه‌های اجرایی و پیشنهادهای کاربردی در راستای تحقق اهداف سیاست‌های کلان ظرفیت چشمگیری را پیش پای سیاستگذار و قانونگذار قرار می‌دهد. در این راستا بررسی مفاهیم مهم و کلیدی اسناد بالادستی حوزه زنان و خانواده نشان می‌دهد «تحکیم خانواده»، «تقویت کارکردهای خانواده»، «فرزندپروری»، «تشکیل خانواده»، «اهمیت نظام مشاوره در مراحل مختلف خانواده»، «سبک زندگی ایرانی-اسلامی»، «حمایت از مادری»، «تکریم سالمندی»، «سلامت باروری»، «افزایش فرزندآوری» و «حمایت از اقشار زنان از جمله زنان سالخورده و بی‌سرپرست» از اهمیت بالایی برخوردارند. بررسی وضعیت شاخص‌های کلیدی حوزه زنان و خانواده این مسائل را تأیید می‌کند. به گونه‌ای که در حوزه تشکیل خانواده، افزایش سن ازدواج به‌عنوان چالش محوری و کاهش نرخ ازدواج دو مسئله مهم در این حوزه می‌باشد. بررسی عوامل تأثیرگذار بر این شاخص‌ها نشان‌دهنده اولویت بالای عوامل «نبود اشتغال پایدار» و «بالا بودن هزینه‌های آغاز زندگی» در شاخص‌های مذکور است.

مسئله دیگر فرزندآوری و فرزندپروری است. البته بخش زیادی از عوامل تأثیرگذار بر کاهش فرزندآوری در جامعه در قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» مورد توجه قرار گرفته است. اما فرزندپروری یکی از مسائل مهم است که در برنامه گذشته توسعه و دیگران قوانین مورد توجه نبوده است. لذا تأمین زیرساخت‌های لازم در جهت افزایش همراهی کودکان از سوی والدین و همچنین مهارت‌افزایی والدین با رویکرد تربیت فرزند سالم و صالح از اولویت‌های برنامه‌ریزی است. مسئله طلاق یکی از چالش‌های خانواده است که افزایش آن از جهت پیامدهای منفی آن بر فرد و خانواده قابل ملاحظه است. بنابراین رویکرد غالب کاهش نرخ طلاق از طریق نظام مشاوره است. اما نکته قابل توجه که باید در پنج سال برنامه هفتم به آن توجه داشت پیامدهای تجرد بعد از طلاق برای افراد و پیامدهایی که متوجه کودکان خانواده‌های طلاق است. لذا در این حوزه اصلاح سازوکار نظام مشاوره خانواده دارای اهمیت بسزایی است.

زنان سرپرست خانوار موضوع دیگری است که در برنامه‌های توسعه پیشین با رویکرد توانمندسازی مورد توجه قرار گرفته است. اما مسئله اساسی در مورد این اقشار عدم امکان توانمندسازی بخش بسیاری از این افراد است. لذا بررسی مسائل واقعی زنان سرپرست خانوار و راهبردهای متناسب با آن باید در دستور کار قرار گیرد. مضاف بر آنکه باید برای دستگاه‌های متولی در این حوزه اهداف کمی قرار داد.

موضوع دیگر مسائل زنان عشایر و روستایی است که از دو منظر دارای اهمیت است. اول اینکه نقش زنان به‌عنوان وزنه تأثیرگذار بر ماندگاری خانواده‌ها در محیط روستا و حفظ زندگی عشایر دارای اهمیت است و دوم اینکه زنان عشایر و روستایی به‌طور خاص با چالش‌هایی از جمله عدم امکان درآمدزایی، مسائل بهداشتی و سلامت مواجه‌اند. بنابراین تأمین زیرساخت‌های اشتغال با توجه به ظرفیت‌های بومی، توانمندسازی آنان و تأمین زیرساخت‌های مربوط به حوزه سلامت در اولویت است؛ چراکه برنامه‌های مهارت‌افزایی شغلی مبتنی بر ظرفیت‌های بومی نبوده و عدم توجه به نیازهای



آموزشی به افزایش مهاجرت از روستا به شهر و ناتوانایی زنان در درآمدزایی منجر شده است. از این رو با توجه به تبعات فرهنگی و اجتماعی تغییر زیست بوم روستاها، مهارت‌افزایی باید مبتنی بر مزیت‌های بومی منطقه تعریف شود. مسئله دیگر تناقض‌های نقشی زنان است که نیازمند اصلاح قوانین و الگوهای اشتغال موجود در جامعه و اجرای مطلوب آنهاست.

سالمندی یکی از موضوع‌های بسیار مهم در پنجره جمعیتی کشور ما به حساب می‌آید. اما فراتر از آن سالمندی زنان مسئله پررنگ‌تری است که با توجه به نرخ تجرد و آمار رو به افزایش زنان سرپرست خانوار در سال‌های آینده به چالش تبدیل می‌شود. لذا در این حوزه اقدام‌های پیشگیرانه از قبیل توانمندسازی زنان در کسب درآمد، سلامت زنان و از سوی دیگر تأمین زیرساخت‌های حمایتی از زنان سالمند به‌عنوان اقدام‌های پسینی باید مورد توجه باشد. مضاف بر مسائل و موضوع‌هایی که ذکر شد، مسائل دیگری از قبیل تأمین پوشاک ایرانی-اسلامی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی ایرانی-اسلامی، جایگزینی واحد خانواده به‌جای فرد در ارائه خدمات و حمایت‌ها، بازیابی ساختار نهادهای تصمیم‌ساز و مجری حوزه زنان و خانواده با رویکرد افزایش کارآمدی به‌عنوان اولویت‌های این حوزه می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد.

۲. پیشنهادهای سیاستی متناظر با مسائل

با استناد به اهداف سیاستی کلان در اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران، مسائل اولویت‌دار بررسی شده و پیشنهادهای دستگاه‌های اجرایی، احکام پیشنهادی متناظر با هر حوزه به شرح ذیل پیشنهاد می‌شود:

۲-۱. سیاست‌های متناظر با مسائل حوزه تشکیل خانواده

ماده (۱) - دولت مکلف است در راستای شفاف‌سازی اجرایی‌سازی ماده (۱۷۲) قانون مالیات‌های مستقیم و جزء دو بند «الف» ماده (۸۰) قانون برنامه ششم و رصد فعالیت شرکت‌ها در راستای مسئولیت اجتماعی سامانه‌ای را در جهت ثبت منابع ورودی و مصارف آن راه‌اندازی نماید.

تبصره «۱» - ۲۰ درصد منابع حاصل از اجرای ماده (۱۷۲) قانون مالیات‌های مستقیم به‌منظور تأمین مسکن و جهیزیه زوج‌های جوان، درمان ناباروری و تأمین مسکن زنان سرپرست خانوار اختصاص یابد. وزارت ورزش و جوانان، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلفند سازوکار اجرایی این تبصره را تدوین و گزارش عملکرد تحقق آن را هر سه ماه به مجلس شورای اسلامی ارائه دهد.

ماده (۲) - سازمان فنی و حرفه‌ای مکلف است با همکاری وزارت آموزش و پرورش و جهاد دانشگاهی نسبت به استقرار نهضت ملی مهارت‌آفرینی برای کلیه دانش‌آموزان، با هدف افزایش مهارت راه‌اندازی کسب‌وکار به‌گونه‌ای اقدام کند که هر دانش‌آموز تا پایان سال دوم دوره متوسطه دوم حداقل در یک رشته فنی و حرفه‌ای دارای مدرک و مهارت باشد. به‌گونه‌ای که شرط فارغ‌التحصیلی دانش‌آموزان داشتن حداقل یک مهارت مورد تأیید وزارت آموزش و پرورش باشد.

۲-۲. سیاست‌های متناظر با مسائل حوزه تحکیم، رشد و ثمربخشی خانواده

ماده (۳) - وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است با همکاری جهاد دانشگاهی، معاونت امور زنان و خانواده و حوزه‌های علمیه تمهیدات قانونی در زمینه ساماندهی روش‌های جایگزین نوین در حوزه ناباروری از قبیل رحم جایگزین، اهدای تخمک، فریز تخمک و ... با توجه به تمامی جوانب حقوقی، اجتماعی و شرعی به عمل آورد.

ماده (۴) - معاونت امور زنان و خانواده به‌عنوان نهاد تنظیم‌گر حوزه زنان و خانواده مکلف است با همکاری وزارت ورزش و سازمان بهزیستی و سازمان نظام روانشناسی تمهیدات قانونی لازم در خصوص ساماندهی، یکپارچه‌سازی، ایجاد نظام صلاحیت‌سنجی و رتبه‌بندی مشاوران و مراکز مشاوره را با هدف ترویج مشاوره حین ازدواج و پس از آن حداقل به مدت پنج سال جهت رصد وضعیت زوجین و پیش‌بینی مداخلات و حمایت‌های لازم و همچنین تحقق بیمه پایه برای مشاوره خانواده در سال اول اجرای برنامه به عمل آورد.

۲-۳. سیاست‌های متناظر با زنان و خانواده‌های در معرض آسیب

ماده (۵) - در راستای تحقق حکمرانی خانواده‌محور، تقویت زیرساخت‌های حضور اجتماعی بانوان و تعالی خانواده و اقدامات ذیل انجام می‌یابد:

الف) دولت مکلف است زیرساخت‌های الکترونیک نظام اداری به جهت امکان دورکاری بانوان شاغل دارای فرزند و شرایط خاص (مطابق تعریف قانون کاهش ساعات کار بانوان شاغل دارای شرایط خاص) فراهم نماید.

ب) وزارت کار، تعاون و امور اجتماعی مکلف است در سال اول اجرای برنامه هفتم توسعه تمهیدات قانونی جهت، اصلاح قوانین اشتغال با رویکرد رفع تعارضات نقشی زنان در اجتماع و خانواده و متناسب‌سازی با اقتضائات الگوی سوم زن مسلمان و خانواده مطلوب و ارائه الگوهای اشتغال منعطف را فراهم نماید.

ج) به‌منظور حمایت از مادران و مشارکت پدر در مراقبت نوزاد، میزان مرخصی تشویقی پدران شاغل، پنج روز بدون کسر از مرخصی استحقاقی و بدون امکان ذخیره‌سازی خواهد بود.

ماده (۶) - وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مکلف است با همکاری معاونت امور زنان و خانواده و در حوزه توانمندسازی و حمایت از زنان سرپرست خانوار و بدسرپرست اقدامات زیر را انجام دهد:

الف) طراحی شاخص‌های ارزیابی وضعیت زنان سرپرست خانوار از منظر اقتصادی، اجتماعی و سلامت‌محور (جسمانی و روانی)،

ب) رصد و سنجش مستمر وضعیت زنان سرپرست خانوار متناسب با شاخص‌های بند «الف» و تکمیل پایگاه رفاه ایرانیان،

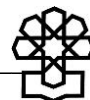
ج) یکپارچه‌سازی فرایند شناسایی، جذب و خدمات حمایتی و توانمندسازی نهادهای حمایتی در حوزه زنان سرپرست خانوار،

د) ایجاد سهولت در ارائه مجوز کسب‌وکار به زنان سرپرست خانوار،

ر) ارائه خدمات تشویقی برای کارآفرینان و کارفرمایان که به استخدام زنان سرپرست خانوار می‌پردازند،

ز) کاهش ۵۰ درصدی تعرفه خدمات مشاوره‌ای ذیل بهزیستی و وزارت ورزش و جوانان برای زنان سرپرست خانوار.

ماده (۷) - نظر به ضرورت روشن نمودن ابعاد گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه زنان، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی مکلف است با همکاری معاونت امور زنان و خانواده، وزارت ورزش و جوانان و وزارت خارجه ضمن رصد شاخص‌های بین‌المللی سنجش وضعیت زنان و ارزیابی آنها به لحاظ کمی و کیفی و نقد فعالانه و مستمر وضعیت زنان و خانواده در



غرب، اقدامات تبلیغی و روشنگرانه از حقوق زنان و پیشرفت‌های آنها در جامعه اسلامی و شفاف‌سازی رویکرد و مواضع نظام در خصوص عدالت‌محوری در مقابل برابری جنسیتی اقدام نماید.

ماده (۸) - بانک مرکزی مکلف است ۶ ماه پس از ابلاغ این قانون با هدف تسهیل شرایط دریافت تسهیلات از سوی جامعه عشایری، ضوابط پذیرش ضمانت‌های متناسب با دارایی عشایر از قبیل پروانه مرتع، حق آبه، پروانه دامداری و ... را تدوین و به کلیه بانک‌های عامل ابلاغ کند.

۴-۲. سیاست‌های متناظر با اصلاح حکمرانی حوزه زنان و خانواده

ماده (۹) - معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری مکلف است با مطالعه و پایش خانواده به تدوین شاخص‌های سنجش وضعیت خانواده در ایران در ۶ ماه اول اجرای برنامه هفتم توسعه بپردازد و ضمن رصد مستمر شاخص‌های وضعیت خانواده، گزارش آن را سالانه به مجلس شورای اسلامی و هیئت وزیران ارائه نماید.

ماده (۱۰) - دولت مکلف در راستای اصلاح و ارتقاء ساختار سازمانی حکمرانی کارآمد در حوزه زنان و خانواده و به‌منظور تسهیل اجرای سیاست‌های کلان این حوزه معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری را به «سازمان امور زنان و خانواده» ارتقا دهد. معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده به‌عنوان ریاست این سازمان تعیین می‌گردد.

تبصره «۱» - معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری مکلف است حداکثر ۶ ماه پس از ابلاغ این قانون، وظایف و تشکیلات تفصیلی سازمان مذکور را تهیه و به تأیید سازمان اداری و استخدامی کشور برساند.

منابع و مأخذ

۱. اعظم بدری‌منش و سهیلا صادقی فسایی، مطالعه تفسیری نقش خانه‌داری، فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده (فرهنگی - دفاعی زنان و خانواده سابق)، سال دهم، ش ۳۱، ۱۳۹۴.
۲. ایرج فیضی و مرضیه ابراهیمی، پیمایش ملی خانواده، جهاد دانشگاهی واحد البرز، ۱۳۹۸.
۳. راحله کاردوانی، علی‌اکبر تاج‌مزینانی، عزت‌سادات میرخانی و سیدمهدی سجادی، بررسی راهبردهای سیاست اشتغال در حوزه مادری در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال ۱۸، ش ۷۲، تابستان ۱۳۹۵.
۴. ژاله شادی‌طلب، معصومه وهابی و حسن ورمزبار، فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار، نشریه رفاه اجتماعی، ش ۱۷، ۱۳۸۴.
۵. سازمان ثبت احوال کشور، دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت، ۱۳۹۹ و ۱۴۰۱.
۶. ستار رضایی، بهزاد کرمی‌متین، سیروس علی‌نیا، فرامرز شاحمدی و علی کاظمی‌کریانی، سالمندی در ایران ۱۴۱۰، هشدار برای نظام سلامت، فصلنامه علمی پژوهشی طب و تزکیه، معاونت آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ۱۳۹۲.
۷. سهیلا اخباری و ثریا گودرزی، بررسی آماری ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی زنان سرپرست خانوار و خودسرپرست، مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اردیبهشت ۱۴۰۰.
۸. سهیلا صادقی فسایی و زهرا میرحسینی، مطالعه جامعه‌شناختی کیفیت زندگی زنان خانه‌دار شهر تهران، نشریه پژوهش‌های جامعه‌شناختی، ش ۲، ۱۳۹۵.
۹. سهیلا صادقی و سمیه مقدم، مسئله‌شناسی زنان بنابر روایت زنان (مطالعه کیفی)، نشریه رفاه اجتماعی، دوره ۱۳، ش ۴۹، ۱۳۹۲.
۱۰. سیدحسن حسینی و زینب ایزدی، پدیدارشناسی تجربه زیسته زنان مجرد جمعیت مورد مطالعه: زنان مجرد بالای ۳۵ سال شهر تهران، نشریه مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان، دوره ۱۴، ش ۱ (بهار ۱۳۹۵).

۱۱. سیده فاطمه محبی، مونس سیاح و شیماسادات حسینی، دلالت‌های معنایی تأخیر در ازدواج دختران دانشجو، تهران، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۱۳۹۵.
۱۲. صبورا امین‌فر، بررسی نگرش زنان جوان پیرامون منزلت نقش خانه‌داری، دین و سیاست فرهنگی، سال اول، ۱۳۹۳.
۱۳. علیرضا گرایبی‌نژاد و ژاله شادی‌طلب، فقر زنان سرپرست خانوار، نشریه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ش ۸، ۱۳۸۳.
۱۴. فاطمه تقدیری، علی‌اکبر حقدوست، محسن مومنی و مقدمه میرزایی، کدام‌یک شادترند، زنان شاغل یا خانه‌دار؟ مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران، دوره ۱۶، ش ۴، ۱۳۹۹.
۱۵. فریبا علاسوند، مداخله حکومت اسلامی درباره حقوق خانواده (ظرفیت‌ها و ضرورت‌گاه‌ها)، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال ۱۶، ش ۶۲، ۱۳۹۲.
۱۶. محسن گودرزی، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج دوم)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۲.
۱۷. محمدتقی کرمی قهی، تحلیل گفتمان سه برنامه توسعه با رویکردی به مسائل زنان و خانواده، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ش ۱۳، ۱۳۹۱.
۱۸. محمدتقی کرمی و فیروز کرمی، بررسی تعارض نقش‌های خانوادگی و اجتماعی بانوان و ارائه الگوی مناسب برای زندگی خانوادگی زنان شاغل، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، سال شانزدهم، ش ۶۴، ۱۳۹۳.
۱۹. محمدرضا جوادی یگانه، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج سوم)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۴.
۲۰. محمدرضا زیبایی‌نژاد، گفتمان فمینیستی در ایران؛ نگرش‌ها و تحلیل‌ها، نشریه حورا، ش ۲۷، ۱۳۸۷.
۲۱. محمود گلزاری، خانواده ایرانی در بحران، سپیده دانایی، شماره ۸۷، ۱۳۹۴.
۲۲. مرکز آمار ایران، ۲ درصد اطلاعات خام سرشماری ۱۳۹۵، ۱۳۹۶.
۲۳. مرکز آمار ایران، خلاصه نتایج ثبت پایه جمعیت عشایر کوچنده کشور، ۱۳۹۹.
۲۴. مرکز آمار ایران، طرح آمارگیری نیروی کار در سال ۱۳۹۹.
۲۵. مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی طرح آمارگیری نیروی کار، سال ۱۳۹۸.
۲۶. مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵.
۲۷. مرکز آمار و اطلاعات راهبردی. روند تجرد قطعی در ایران. تهران، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۶.
۲۸. مرکز برنامه‌ریزی منابع انسانی و امور اداری، «سالنامه آماری ۱۴۰۰-۱۳۹۹ وزارت آموزش و پرورش».
۲۹. مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸/۹/۱۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی.
۳۰. نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵.